



کارگران ایران

ضمیمه به نشریات ماه قانون کار

ازگان هیئت مؤسسان کنفدراسیون کارگران ایران - شماره ۵ - آبان ۱۳۵۸



کارخانه‌ای که ماشین آلات پیچیده آن بدست کارگران و مهندسان ایرانی از نوساخته شد (شرح در صفحه ۳۱) - پشم شیشه شیراز

در این شماره:

بحران بیکاری □

سود ویژه □

قانون کار جدید □

زنان زحمتکش □

کارگران کشاورزی □

اخبار و گزارشهایی از: □

پشم شیشه شیراز
شهرداری اصفهان
مس سرچشمه
جیت ممتاز
آبادان و بیرجند
رشت و تبریز

شرکت در تدوین قانون کار

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران شرکت فعال در تدوین قانون کار جدید را در دستور کار خویش قرار داده و مشغول تهیه و تنظیم یک طرح پیشنهادی قانون کار است .
برای قدم برداشتن در این راه خطیر مقاله‌ای در صفحه ۱۶ چاپ شده که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می‌کنیم .

کارگران بدون تحقیق مجله نمی‌خرند

در شماره ۲ "کارگران ایران" نظرات شما را در مورد مجله چاپ کردیم . اکنون بعد از چاپ موفقیت آمیز ۵ شماره مجله با زحمات نظرات شما را چاپ می‌کنیم تا با همکاری کارگران عزیز در بهتر کردن مجله موفق باشیم .

در مراجعه به کارخانجات مختلف و تماس با کارگران آنها و توضیح هدفهای مجله با نظرات مختلفی روبرو شدیم .

در یکی از کارخانه‌ها ، بعد از آشنائی با مواضع و هدفهای مجله گفتند : هما نظر که این مجله در جهت دفاع از انقلاب اسلامی و مبارزه با بیگانه‌پرستی کار می‌کند بسیار خوب است .

در کارخانه دیگری سوال کردند : این نشریه بجا و ایسته است ؟ توضیح دادیم که این مجله مستقل است و هدفش دفاع از انقلاب و آدامه آن و ایجاد وحدت بین کلیه کارگران ایران است .

آنها با ناباوری می‌گفتند هر روز یک گروه نزد ما می‌آیند و ما نمیدانیم کدام یک را قبول کنیم . ما گفتیم راهش این است نظر همه را با دقت گوش کنید هر کدام به نفع کارگران بود انتخاب کنید . آنها با خوشروئی مجلات ما را خریدند و قرار شد بعد از مطالعه نظرشان را به ما بگویند .

در یک کارگاه کوچک در شرق تهران دو نفر کارگر می‌خواستند مجله بخردند ولی وقتی جیبهاشان را گشتند یک تومان بیشتر نداشتند . به همین علت یک مجله شریکی خریدند .

در یک کارگاه ساختمانی موقعی که مجله می‌فروختیم یک کارگر کردبا کنجکاو وی جلو آمد . پرسیدیم مجله می‌خواهی ؟ گفت سواد ندارم . یک مجله بده و دادیم و گفتیم تا ما اینجا مجله می‌فروشیم اقلعکسهای مجله را تماشا کن . بعد از چند دقیقه که برگشتیم ، دو تومان در آورد و گفت : من هم مجله می‌خرم ، هم تا قیم سواد دارد میدهم برایم بخواند . او را تشویق کردیم از هم‌اتاقیش سواد هم یاد بگیرد .

در فروش مجله به کارگران تعمیرگاهها اکثر آنها بعد از توضیح کوتاه در مورد اینکه مجله بدو را زهرگونه اختلاف مذهب و عقیده و مراسم در جهت خواستهای عموم کارگران ایران قدم بر میدارد مجله را می‌خریدند .

ما خیلی خوشحالیم که کارگران بدون تحقیق و بررسی نشریه‌ای را نمی‌خرند . همین نشان دقت و هوشیاری آنهاست . امیدواریم این هوشیاری را در همه موارد حفظ کنند .

جلسات هفتگی

هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در محل دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون جلسات عمومی برگزار میشود . در این جلسات کارگران و خصوصاً نمایندگان کارگران بطور آزاد شرکت میکنند . بدینوسیله کارگران دعوت میشود که در این جلسات جهت بحث و تبادل تجربه شرکت نمایند .

ما هنامه

کارگران ایران

سردبیر و مدیر مسئول بیژن اوشیدری

نشانی : خیابان طالقانی (تخت

جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک

۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹



بحران بیکاری و کمبود مواد اولیه

بیکاری میراث سنگین رژیم شاه

در واقع دولت شاه صلاح دیده بود که غیر دزدی مستقیم با دست زدن به اجرای طرحهای اقتصادی دهن پرکن به ظاهری بزرگ و دریا بین پوشالی کبیسه خود را برکنند. اما با سقوط دیکتاتور و عقب نشینی امپریالیزم طرحهای جاه طلبانه مشترک شاه و امپریالیزم نیز مدفون شد و نیروی کار فراوان و دهها هزار کارگر و کارمند و متخصص که سالها هرز میرفت آزاد شد، به زبان دیگر خیل عظیمی از بیکاران را شکل داد.

در جریان انقلاب دارودسته پهلوی و آبادی دیگر سرمایه داری بین المللی با دزدیدن و خارج کردن ۴۰ میلیارد دلار پول پرونده سیاه خیانت خود به ملت ایران را کامل کردند. پولی که در صورت وجود یک سیاست درست اقتصادی و ملی میتوانست اقتصاد ایران را زبرور و کند. ثروتی که اگر بیین جمعیت ایران تقسیم شود به هر کدام بیش از ۳۰۰ هزار تومان میرسد.

منافع ملی یا منافع شخصی

از طرف دیگر بعضی سرمایه داران داخلی با انتظار تضمین سود و ثبات شدن اوضاع دست روی دست گذاشته و رغبت چندانی برای سرمایه گذاری های تولیدی از خود نشان نمیدهند و این البته بیشتر نشانه ندهنده نفع طلبی بیش از حد خود خواهی برخی از کارفرمایان است که منافع خصوصی خود را بر منافع ملی و اکثریت مردم ترجیح میدهند، این مسئله خود بیکاری و کمبودی بیشتر ایجاد مینماید. در کنار این مسئله باید به انتقال سرمایه از بخش صنایع و تولید به بخش بازرگانی و تجارت اشاره شود که عاملی دیگر بر تشدید بحران بیکاری و کمبود مواد اولیه و ادامه وابستگی به خارج است.

بقیه در صفحه بعد

تسلط طولانی امپریالیزم مشکلات بسیاری برای ملت ایران به وجود آورده است. مشکل بیکاری و کمبود مواد اولیه از این دستهاست. این دو مسئله ضمن تهدید اقتصاد ایران و اشتغال نیروی کار در کنار سایر مسائل بردوش ملت مازما به خصوصی زحمتکشان سنگینی میکند و میباید تمام قوادر حل آنها کوشید و انقلاب را از عکس و توقف نجات داد. حال بسینیم مشکلات موجود چگونه ریشه در طرز کار رژیم پهلوی و امپریالیزم دارد و چگونه اقتصاد شکوفان مورد نظر شاه مثل با دکنکی ترکیب و مانع بخارنا پدید شد.

بنظر ما علت اصلی بیکاری فعلی ضربه خوردن سرمایه ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم بوده که متاسفانه تنها کنون نیز بر نامه اقتصاد ملی جان نشین آن نشده است. در زیر سایر علل بیکاری و کمبود مواد اولیه را هم با زگو میکنیم:

۱- خروج بیش از ۴۰ میلیارد دلار پول (معادل دو سال درآمد نفت) توسط شاه و سایر پرنوکران امپریالیزم از ایران

۲- تعطیل و توقف فعالیتهای دولتی

۳- عدم تمایل کافی به سرمایه گذاریهای جدید از طرف کارفرمایان خصوصی

۴- انتقال سرمایه ها از صنعت به تجارت و بازرگانی

۵- نبودن یک سیاست روشن یا برنامه اقتصادی از طرف دولت

۶- کارشکنی امپریالیست ها و عوامل داخلی آنها

۷- توقف چندین ماهه واردات در جریان انقلاب اکثر طرحهای دولتی رژیم شاه ضد مردمی، غیر ضروری و نامیشی بود. مانند سیاست ارتشی، نیروگاههای برق اتصی، ساختمان کاخها و مراکز عیاشی دربار و مجتمع های توریستی و از این قبیل امور که تنها به هدف دزدی و با ایجاد ناآرامی برای اطرافیان شاه به مورد اجرا گذاشته میشد.

مواد اولیه

نگاه کنید به این به اصطلاح کالاهای پیچیده‌ای که بصورت مواد اولیه، نیمه ساخته و مواد غذایی باید وارد شود. آیا باطری و لاستیک اتومبیل، مابون، روغن نباتی، برنج و تخم مرغ، خوراک دام و طیور مواد شیمیایی پلاستیک سازی، رنگ، نخ، سیمان آرد، گندم، میخ مقنول و ورق آهن، علوفه دام، میوه، الوار و حتی نفت سفید مواد و کالاهای بودند که امکان تولید و ساخت داخلی آنها وجود نداشت؟ آیا کود شیمیایی و سم نباتات و بذر مورد نیاز کشتار و رزاق نمیتوانست به دست خودمان و در داخل تولید شود؟ اینهاست آن حداقل مواد اولیه که انقلاب را به خطر انداخته و کارگران را آواره و بیکار کرده است. کاهش تولید، گرانی اجناس و بیکاری همه از عواقب وابستگی به امپریالیزم میباشد. عواقبی که بیش از همه طبقه کارگران را آزار میدهد و استقلال مملکت را تهدید میکند و باعث سوءاستفاده عوامل ضدانقلاب و شوطه گز میگردد.

خوب حالا در مقابل این همه مشکل چه باید کرد؟ آیا تسلیم شویم و دوباره شاه با کسی مثل اورا برگردانیم و این مملکت را تقدیم امپریالیزم کنیم تا حداقل به وضع سابق بازگردیم یا مبارزه کنیم و روحیه خودمان را بالا ببریم؟

به نظر ما راه یکطرفه است و در این کار رزاق که استقلال ایران مطرح است بزرگترین نقش را زحمتکشان دارند. برای رفع این مشکل دولت باید با تکلیف و اعتماد بیشتر به توده های مردم سیاست اتکا به تولید داخلی را ادامه دهد. صنعتگران کوچک و متوسط و کشتار و رزاق را در برابر دولت کمکی پولسی و فکری حمایتان کند. مردم را از مسایل هر چه بیشتر آگاه سازد و به نقش فعال آنها احترام بیشتری بگذارد و راه را برای دخالت انبوه توده ها بازتر کند سیاست عحولانه برگشت به واردات را در پیش نگیرد و برعکس آنها به حداقل رساند مگر در مواردی که به احتیاج به وارد کردن مواد اولیه مورد نیاز زندگی زحمتکشان باشد. کشتار و رزاق را در سطوح کوچک و متوسط و صنعت را در بخشهای ضروری پشتیبانی کند. سرمایه داران و کارفرمایان را که امکان

راه اندازی تولید و فعالیت را دارند و دارنده کارکنند حقوق بیکاران را در ایام بیکاری بپردازند و زندگیشان را تا مین کنند. بدانند که خواسته های کارگران و زحمتکشان بیکار برحق است و باید به آن حداً رسیدگی شود - و متوجه باشند که اکثریت افراد بیکار ربعت شرکت در انقلاب کارشان را از دست داده اند. دولت باید پس مبارزه اصیل و خواسته های اکثریت بیکاران و عوامل ضدانقلاب فرق گذارده و بدانند که علیرغم حضور و وجود چند عنصر ضدانقلابی و فرصت طلب خواست بیکاران کاملاً برحق و به نفع استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت است.



نویسندگان و خواننده

هر دو مسئول مجله هستند

برای آنکه نوشته های غیرقابل فهم، شوخا لسیسی و سرسریخ به مجله راه پیدا نکنند، برای آنکه مجله شما همواره مثل یک آینه روشن واقعیت زندگی پر جوش و خروش و مبارزات بزرگ زحمتکشان را منعکس کند چاره ای برای این نیست که ارتباط دائمی بین نویسندگان مجله و خوانندگان آن برقرار باشد.

کارکنان مجله این را بر مبنای خود قرار داده اند که ما بندها کردی کوچک در میان زحمتکشان باشیم و از آنها بیاموزیم که چگونه میتوان به ساده ترین زبان واقعیات زندگی مبارزات و زندگی زحمتکشان را بازگو کرد و مشکل ترین مسایل را آموزش داد. اما برای آنکه این ارتباط هر چه وسیعتر باشد انتظار داریم که نویسندگان نظریات خود را بگویند، نامه و مقالاتی بنویسند تا بدانیم که چه چیزی مورد نیاز آنها است و چه چیزی مورد پسند آنها نیست.

کارکنان مجله

گزارش زیرضمن مباحثه با چند تن از اعضای شورای کارخانه چیت ممتاز تهیه شده است

"میزان تولید کارخانه نسبت به زمان قبل از انقلاب تقریباً دو برابر شده یعنی به هر ۷۵ هزار متر با رجه در روز رسیده است. مرغوبیت یا رجه در حدی است که تا خران یا رجه تولیدات کارخانه را تا پایان بهار آینده پیش خرید کرده اند. این محصولات توسط ماشین آلاتی تولید میشود که در حدود ۲۲ سال است کار میکنند و اگر دلسوری و مراقبت کارگران با تجربه نباشد چرخ کارخانه بر احوالی از کار می افتد".

در ادامه گفتگوی اعضای شورا متوجه میشویم که کارگران علاوه بر رشد و توسعه اقتصادی ملی کوشش در راه تامین نیازهای رفاهی رانیز در سرلوحه کار خویش قرار داده اند بطوریکه شورای کارخانه تاکنون توانسته است - لیس سخنرانی، کتابخانه، کلاس پیکار با سیموادی را داشته باشد. برای قسمت آب سرد کن تهیه نماید و ساختن حمام را در دستور کار خود قرار دهد...

تامین مصرف داخلی توسط کارگران انقلابی



تعداد کارکنان

کارگران با تجربه با مراقبت فراوان معایب آنها را رفع میکنند.

این کارخانه ۲۲ سال پیش بصورت کارخانه پوست و پشم (دباغی) تاسیس شده و بعداً به کارخانه نساجی تبدیل شده است. تعداد کارکنان کارخانه ۲۵۰۰ نفر است که از این عده ۱۵۰ نفر کارمندان هستند.

فعالیت شورا

شورای کارخانه در ابتدا به اسم کمیته شروع به کار نمود و در ۲۱ فروردین شورای اسلامی کارخانه با تحدیدات مشخصات تشکیل شد.

پیش از ۱۰۰۰ کارگر این کارخانه را واخرسال ۵۲ استخدام شده اند. در حدود ۱۲۰ کارگر پاکستانی و بنگلادشی در این کارخانه کار میکنند که پس از پایان قرارداد دسجای آنها کارگران ایرانی استخدام خواهد شد. ضمناً ۶۰ نفر کارگر زن نیز در این کارخانه کار میکنند.

شورا اساساً کارگری است و فقط یک نماینده کارمندان در آن شرکت دارد. از اقدامات شورا اخراج ۱۲ نفر مهربان وابسته به یاسینی و ملی اعلام کردن کارخانه است. بعداً از روشن شدن سیاست دولت نسبت بقیه در صفحه بعد

وضع تولید

تولید چیت ممتاز قبل از انقلاب حدود ۴ هزار متر در روز بوده که در حال حاضر در حدود ۷۵ هزار متر است. در گذشته مواد اولیه (رنگ و پنبه و الیاف مصنوعی) مورد استفاده درجه ۲ و درجه ۳ بود ولی حالا از مواد درجه یک و درجه ۲ استفاده میشود. مرغوبیت جنس از لحاظ ثابت بودن رنگ و دوام با رجه باعث شده بنگذاران تولید کارخانه را تا سه ماه بعد از عید پیش خرید کنند.

علت بالا رفتن تولید دگر می کارگران و توجه آنان به نیاز مملکت است و خصوصاً از رهنمودهای امام در مورد جهاد سازندگی پیروی میکنند.

ماشین آلات کارخانه ۲۲ سال است که کار میکنند و احتیاج به تعمیرات اساسی دارند و در حال حاضر





نمی‌توانند تا ۶ سالگی مبرکنند. در مورد بیکاری هم دولت می‌تواند کارگران را خورده را زودتر بازنشسته کند و بوضع ارتشیان و کارمندان که در چندجا مشغولند و خصوصا افسرانی که در کارخانجات هنوز مشغول احتیاجات هستند رسیدگی کند و بجای آنها کارگران بیکار را بگمارد.

به عقیده شورابا توجه به شرایط سخت کارناجاها، رطوبت، هوای آلوده و سروصدای زیاد و کار ایستاده صنایع نساجی باید جزو صنایع سنگین محسوب شود تا کارگران از مزایای بیشتری برخوردار شوند.

* * *

"کارگران ایران": موفقیت‌های چشمگیر شورای جیت ممتاز نمونه برجسته‌ای از ایستگی کارگران ایرانی و نشان‌دهنده رشد اجتماعی آنهاست. ما این موفقیت‌ها را به کارگران جیت ممتاز زحمیمان تبریک گفتیم و پیروزیهای بیشتری برای شورای منتخب آنان آرزو داریم.

به این نوع کارخانجات، یک مدیر عامل بنام آقای پرویز مقدم برای کارخانه تعیین شد. شورا در این مدت یک سالن سخنرانی و یک کتابخانه دایر نموده و در ضمن کلاسهای بیکار با بسوادی را به راه انداخته و ۵۰ آب سردکن نیز برای قسمت‌های مختلف کارخانه تأمین کرده است. و فعلا در حال ساختن حمام برای قسمت‌ها میباشد. ضمنا در جلسات سخنرانی مسائلی اسلام نیز آموزش داده میشود. کارگران اضافه حقوق و مابقیه التفاوت حداقل دستمزد را گرفته‌اند و منتظر تصمیم دولت در مورد سود ویژه هستند. ضمنا با برکناری مدیران عامل کارخانه مبلغ زیادی صرفه جویی و بین کارگران تقسیم شده.

در این کارخانه زبختی‌های مختلف جلوگیری میشود زیرا کارگران معتقدند هر کس حرفی دارد میتواند در جلسات علنی بزند.

امکانات و مشکلات

شورای کارخانه اعتقاد دارد که کمبود مواد و کارخانجات ناشی از نبودن مواد اولیه و مدیریتی درست است.

به عقیده شورا اگر سایر کارخانجات هم بتوانند مانند آنها با حداکثر ظرفیت کار کنند خواهند تولیدات صد درصد احتیاجات داخلی را تأمین نمایند. اعضای شورا عقیده داشتند که میتوانند تولید کارخانه را تا ۸۵ هزار متر در روز بالا ببرند.

ضمنا نمایندگان شورا در نظر دارند اتحادیه‌ای از صنایع نساجی در مرکز بوجود آورند. کارخانه فعلا نگران کمبود مواد اولیه یعنی الیاف مصنوعی و ابریشم است. در حال حاضر از موجودی کارخانه استفاده میشود و ضمنا حدود ۹۰۰ تن مواد اولیه به خارج سفارش شده که مقداری از آن در راه است.

پیشنهادهای

نمایندگان شورا ضمن گله‌ا ز وضع بیمه پیشنهاد می‌کردند که کارگران نیکه در شرایط سخت کار میکنند باید بعد از ۲۵ سال بازنشسته و از مزایای بازنشستگی استفاده کنند. مخصوصا که اغلب نساجان از حدود ۱۵ سالگی شروع به کار میکنند و برای بازنشستگی

دولت در نظر دارد سود ویژه را که شاه خائن سر قرار کرده بود لغو کند. چون این یک مسئله مهم کاری است پس همه با بد در مورد آن نظر بدهند. این مقاله که توسط چند نفر از ایران کارگری تهیه شده جهت بازگشایی بحث سود ویژه عینا آپ میشود.

معمای سود ویژه

چرا شاه دستور پرداخت سود ویژه را داد؟ میدانیم که پرداخت سود ویژه بعنوان یکی از اصول یا اصطلاح انقلاب سفید در زمان شاه مخلوع با جراد آمدن او شاه که خود یکی از درنده ترین حکومت های ضدکاری جهان را رهبری میکرد و عاقبت هم بدست کارگران و زحمتکشان سرنگون شد چگونه میتواندست قدمی در حمایت از کارگران بردارد؟ پس باید زیرکانه نیمگاسه ای باشد رژیم با احساس خطر از جانب طبقه کارگر، نیروی پلیس و ارتش و تبلیغات خود را روی کارگران متمرکز ساخته بود و کوشش میکرد خفقان حاکم بر کارخانجات و استثمار کارگران را به نحوی پرده پوشی کند. یعنی یک هدف سیاسی و اقتصادی را با هم دنبال میکرد و سعی داشت ذهن کارگران را منحرف و آشفته کند یکی از راههای رسیدن به این هدف پرداخت سود ویژه بود میدانیم روشهای مختلفی برای پرداخت دستمزد وجود دارد و سود ویژه هم قسمتی از دستمزد است که با نام قلبی و جعلی سود ویژه پرداخت میشود. همینطور است مخارج نهار، پول کرایه رفت و آمد، حق بیمه، عیدی و پاداش که جملگی اشکال مختلفی از پرداخت دستمزد هستند. اما از میان این شیوه ها سود ویژه از همه حيله گرانه تر و گمراه کننده تر است.

هر سرمایه داری میدانند که زمان رونق بازاری تولید زیاد به نفع اوست اما برای تولید بیشتر احتیاج چه کارگر زیادتری دارد و وقتی نیاز به استخدام کارگر با لاف دستمزدها هم اضافه میشود

با وجود نیروی کار فراوان احتیاج چه کارگر داشته بیشتر میشود و خطرا افزایش دستمزد کارگران را تهدید میکند

سرمایه داران که هیچ وقت به میل خود دستمزدها را با لایمی بردند بر سر دوراهی گیر کرده بودند یا باید تا ظریک مبارزه دسته جمعی کارگری برای افزایش دستمزد می شدند و یا به روش حيله گرانه شاه و پرداخت سود ویژه تن میدادند. واضح است که راه دوم برای آنها خیلی مناسب تر بود. پس با یک تیر دو نشان زدند.

اولا، تا آنجا که ممکن بود کنترل دستمزدها در دست خود گرفتند، در ثانی بر روابط استثماری کارگر و سرمایه دار سرپوش گذاشتند.

اما چطور این کار ممکن بود برای روشن شدن بیشتر مطلب، مقایسه ای بین سود ویژه و دستمزد معمولی لازم است.

کارگران میدانند که افزایش دستمزد را میشود به کارفرما تحمیل کرد و یا مبارزه پرداخت آن را قانونی نمود و سرمایه دار نیز نمیتواند با سانی زیر قانون زده و دستمزدها کاهش دهد. اما در مورد سود ویژه چنین نیست کارگران قادر به کنترل سود و زیان کارخانه نیستند و دسترسی به اسناد و اوراق سرمایه دار مشکل است. پس نمیتواند مقدار واقعی سود را کم تر و یا حتی بجای سود ضرر نشان دهد.

دستمزد معمولی با لافتن قیمت ها اضافه میشود در صورتیکه سود این خاصیت را ندارد. بعلاوه کارفرما قادر نیست در صورت کسادی بازاری کارهای تولید دستمزدها را با شبن بیاورد در حالیکه میتواند سود ویژه را کم و زیاد کند.

کارفرما مجبور است دستمزد را بعنوان پاداشی برای سایر مزایا مانند اضافه کاری، شب کاری، اضافه حقوق، بیمه درمان، حق بازنشستگی و... در نظر بگیرد اما سود ویژه در این مورد دخالت ندارد و این امر به ضرر کارگر و به نفع کارفرماست. همچنین کارفرما نمیتواند در مواقع کسادی بازار، غیبت کارگر، اعتصاب، کم کاری، تعطیل موقت تولید، وارد شدن خسارات عمد و غیر عمد یا مرخصی دستمزد کارگران را نپردازد و یا کم کند و دولتی قادر است همه اینها را از سود ویژه کم نماید.

مسئله دیگر که در قانون پرداخت سود ویژه اجرا میشود، پرداخت آن سه ماه پس از استخدام بود و این خود وسیله ای بود تا کارفرما با عینا و بین مختلف بقیه در صفحه بعد

اخراج عناصر فاسد

در یکی از جلسات هفتگی که روزهای یکشنبه هر هفته در محل دبیرخانه هیئت موسس تشکیل میشود یکی از کارگران نظریه‌یست موسس را درباره سندیکارهای قدیمی که اکنون بعد از انقلاب هم فعالیت دارند سوال نمود. از آنجا که این موضوع یک مسئله عمومی کارگران است که میخواهند تشکیلات واقعی نمایندند منتخب خود را از تشکیلات غیر واقعی و فرمایشی جدا کنند خلاصه حوایی که در این جلسه داده شد جایز میشود:

"همه میدانند که در زمان رژیم ضدکارگری شاه اکثر سندیکارها و اتحادیه‌های کارگری تحت نفوذ کارفرما، دولت و ساواک بود و عواملشان در رأس آنها قرار داشتند و فقط بعضی از آنها توانستند سلامت کارگری خود را حفظ نمایند و به فعالیت مخفی یا علنی خود ادامه دهند.

به هر حال پس از سرنگونی رژیم و کوناه شدن دست ساواک شرایطی بوجود آمده که کارگران میتوانند نماینده خود را در تشکیلات واقعی کارگری انتخاب نمایند. البته اکنون هم کارفرمایان به اشکال مختلف سعی میکنند که عوامل خود را در رأس تشکیلات کارگری قرار دهند. ولی ما کارگران با هشیاری تمام میتوانیم مجمع عمومی را در کارخانه‌های خود تشکیل داده و تجدید انتخابات واقعی نمایم.

بنابراین آن دسته از سندیکارها و اتحادیه‌ها که بعد از انقلاب تجدید انتخابات نموده و مورد قبول اطمینان کارگران قرار گرفته و نماینده واقعی خودشان را انتخاب نموده اند طبیعتاً "مورد قبول هیئت موسس کنگره سبوع کارگران هم میباشند.



سها نهگیری کنند و کارگران قبل از پایان سه ماه از کار اخراج و بیکار رکنند. بعلاوه هیچ کارگری را تمییز یا تهدید یا تطمیع در باره دستمزدها بجا نیاورد. کارگران واداشته کاری که سرمایه دار خیلی خوب با سودویزه میکرد. وی بمحض اعتراض کارگران برای افزایش دستمزدها هرخواست دیگر سودویزه را به سرخ میکشید و از آنجا که سود معمولاً هرشش ماه یا در پایان سال پرداخت میشد کارگر مجبور بود ماها صبر کند تا سودش را بگیرد چون میدانست در صورت اعتراض این حق از جنگش میروید. همچنین او مجبور بود در صورت یافتن کار بهیتر تا دریافت سودویزه معطل بماند و کارش را عوض نکند.

کارفرما با بهر خ کشیدن سودویزه کارگران را به کار سریع تر و شاق تر وادار میکرد تا با اصطلاح سود بیشتری بآنها بپردازد.

در ضمن سرمایه دار با پرداخت سود خود و کارگر را هم منفعت نشان میداد و ما هیت استتفا رکننده خود را بزرگ میکرد و این عقیده را در ذهن کارگران رسوخ میداد که در منافع کارخانه سهم اند و فرقی بین کارفرما ندارد و امری که دولت شاه خاثن هم تبلیغ میکرد اما کارگران باید بدانند که این تفاوت وجود دارد تا بتوانند آنرا از میان بردارند و کارفرما دقیقاً از همین آگاهی میترسد چیزی که یکی از قویترین اسلحه‌ها برای ما کارگران است.

☆☆☆

اسدواریم مقاله فوق مقدمه‌ای باشد برای آغاز بحث سودویزه در میان کارگران. لازم به یادآوری است که سودویزه هنوز قطع نشده و کارفرماها موظف به پرداخت آن میباشند. یک پیشینه دهم این است که در صورت لغو سودویزه سلغ آن باید به دستمزد کارگران اضافه شود. نظرات خود را در مورد سودویزه برای ما بفرستید.

☆☆☆

برای ایجاد دستگاه دوش در کوره‌ریخته‌های محمودآباد ما رایاری کنیم



کار کودکان در جهنم کوره‌ها

وارد جاده‌ها و ران که می‌شوی سیاهی دود راه کوره‌پزخانه‌ها را نشانت می‌دهد، دود آنقدر زیاد است که توک دودکشها، بلندرا هم به سختی میتوان تشخیص داد.

در جاده‌های خاکی که بدر فکوره‌پزخانه میروی کاسیونهای پیراز آجری را میبینی که از کنار ترمه می‌شوند و خاکشان لباس را سفید میکند؛ جلوتر که میروی بچه‌های کوچکی را میبینی که در میان خاک و دود بازی میکنند، واقعا اگر روزی آنها را

با وضع بهتر ببینی بازشناختشان برایت مشکل میشود. بعدخانه‌ها - نشان نمایان میشود، خانه که چه عرض کنم، آلونکهای کوچکی که از دود سیاه شده اند اطاقهای سه در چهاری هستند که در هر کدام، ده دوازده نفر و شاید بیشتر زندگی میکنند.

آب آشامیدنیشان را از شهر میاورند ولی لباسها و ظرفشان را با آب چاه می‌شویند. این آب آنقدر شور است که قابل خوردن نیست و انباشته از انواع میکروبها و آلودگی است. آب تنها حمام محل هم از این جاها تامین میشود.

کار در کوره‌پزخانه سن و سال نمیشناسد. کودکان از موقعیکه بتوانند حتی یک گشت بردارند شروع بکار میکنند، دختر و پسر سه پدرو ما در کمک میکنند تا نه تنها خرج زندگی روزانه‌شان را تامین کنند بلکه پس اندازی هم برای مدتی که کار بعلت یاری تعطیل میشود و آنها بیکار میشوند داشته باشند.

زندگی در میان خاک و دود چهره‌هاشان را چنان سیاه میکند که تشخیص رنگ پوستشان را مشکل کرده، تنها حمام موجود هم جاره این کار را نمیکند چرا که گنجایش تمام کارگران را که در تنها روز تعطیل هفته به حمام میروند ندارد و اگر کسی هم موفق شود که حمام کند در راه برگشت به خانه مسکات زیادی نمیگذرد که قشرنازکی از دود و خاک بدنش را میپوشاند.

با این زندگی سخت و توانفرسا شورشوقی که در بچه‌ها برای درس خواندن وجود دارد قابل تحسین و شگفتی است. فصل مدرسه که میشود تعدادی از بچه‌ها که غالباً پسرند به مدرسه میروند. البته تعدادشان انگشت شمار است چرا که این کار نه تنها هزینه زیادی در بر دارد باعث کم شدن درآمد خانواده هم میشود و در واقع از دو جهت سه ضررشان تمام میشود.

در کوره‌ها کودکان و زنان در کار خست مالمی، و استراحت کردن آخر شرکت فعال دارند.

اربابها برای استعمار بیشتر کارگران و درگیری کمتر با آنها از سرکار بگرا استفاده میکنند، سرکار بگرا را در فصل زمستان با مقدار متناسبی پول روانه روستاهای خراسان کرده و سه روستایشان در مقابل کار ۶ تا ۸ ماه از بسیار تا با شش محدوداً مبلغ ۵ تا ۶ هزار تومان پرداخت میکنند و جگر گوشگان آنها را اجاره کرده و در فصل کار بزرگمانه سه کار میکنند. و با پول را قرض داده که در فصل کار آنها پول را برگردانند و در مقابل تولید هر هزار آجر ۷۲ ریال از مزد این کودکان کسر میکنند.

کارگران در کوره‌پزخانه‌ها بعلت کار رکنتراتی ساعات کار مشخصی ندارند و اغلب از سپیده صبح تا غروب کار میکنند.

محمد رضا پسر بچه ۱۳ ساله‌ای که قالب کشی میکند در روز متجاوز از ۱۲ ساعت کار میکند. کلاس اول و اهنماشی است. در اکثر تظاهرات شرکت داشته و خودش میگوید:

خبری نیست حتی موقع بارندگی که بیکار میشوند با بیدار زحیب بخورند. به علت دوربودن از شهر مجبورند که مواد غذایی شان را از تنها مغازه موجود که اجناس را به چند برابر قیمت میفروشد خریداری کنند و البته معلوم است که این پول به حسب چه کسی میرود.

زندگی در کوره پزخانه برای افراد معمولی سخت و توانفرسات و فقط انسانهایی مانند کارگران کوره پزخانه هستند که میتوانند این شرایط زندگی کنند. کارکنند و زنده بمانند و به همین دلیل آنها انسانهایی هستند سر بلند و مغرور و مبارز و دلیر که با وجود محروم بودن از ابتدائی ترین امکانات زندگی با محرومیتهای موجود مبارزه میکنند. مبارزه برای زنده ماندن دستهای پینه بسته و ضخیمشان نشانه پایداری و استواری شان است. نشانها مبارز بود نشان و نشانها مشکلات و مصائبشان.

این مبارزه ای است که همه آنها را به خود مشغول داشته است چرا که تنها همکاری و همراهی است که میتواند در این مبارزه با ریشان کند.



"ما از دولت خیلی راضی هستیم فقط اگر دولت کمک کننده کاری بشه که از خشت مالی راحت بشیم خیلی خوب میشه".

بسیارهایی که بدروما درش در ده مانده اند و او را به استادکار اجاره داده اند تا برایش کار کنند از ساعت ۵ صبح تا موقعی که هوا تاریک میشود کار میکنند.

علی بریای زده سالهای کسه اهل گناباد است و کارش خشت جمع کردن است و از کله سحر تا سوق شب کار میکنند در مقابل شش ماه کار ۱۵۰۰ تومان مزد میگرد و بقیه پول خودش تنها با زیش خشت جمع کردن است.

برات علی که از ۶ سالگی شروع به کار کرده و اکنون ۱۲ سال دارد و از ای ۷ ماه کار ۵ هزار تومان مزد میگیرد. خودش میگوید "حق من زیاد است میگیره، از صبح تا شب کار میکنم، اگر کارگر با هم یکی بشن می خونی حقشان را بگیرند".

یوسف بری ۱۷ ساله ای کسه قالب کشی میکند و بدروما درش در ده زندگی میکنند؛ میگوید: "حدود ۱۰ ساله که از صبح تا شب همه اش کار میکنم کجا ما میخولیم رشد کنیم، چه هم این دنیا یعنی همینجا".

از سینه و با زشتگی در اینجا



ترتیبی داده که مرا اخراج کنند و ضمناً هیچ حق و مزایای این ۱۲ سال را نپرداخته. در گفتگویی که با دبیر سندیکای کارگران کوره پزخانه های محمودآباد داشتیم گفتند تاکنون کارگرانی را اخراج کرده اند که یک ماه مزایا به آنها تعلق گرفته و سندیکا هم اقدام کرده ولی مواردی هم هست که به کارگران اخراجی پولی نپرداخته اند

درددل یک کارگر کوره سوز اسم من ناصر سگی است و در کوره آجر کشمیریان ۱۲ سال کار کرده ام و حالا کارفرما بدون هیچ دلیلی اخراج کرده اول به سندیکا مراجعه کردم کارفرما آمد و گفت صد هزار تومان خرج می کنم و نمیگذارم تو کار کنی. صاحب کار ورقه ای داد انگشت زده و برده وزارت کار که اصلاً اثر انگشت من نبوده و

سه میلیون کارگر کشاورزی

"بائین ترین دستمزد در بدری در فصل زمستان و ایام بیکاری - کارسنگین آفتاب به آفتاب - محرومیت از بیمه های اجتماعی - محرومیت از حق مسکن ، حق اولاد - محرومیت از تشکیلات کارگری ... در چنین شرایطی است که ۳ میلیون کارگر کشاورزی ایران خوراک من و تو و ۳۶ میلیون جمعیت ایران را تهیه میکنند."

برای نمونه کافی است گفتگوئی با یک کارگر بلوچ را که بدنیال کار آواره تهران شده بود نقل کنیم:

- برادر است چیست؟

- محمدعلی شاکر .

- چرا به تهران آمدی؟

آهی می کشد و خلاصه حرفش این است که زمین ندارد و محبوس است هر روز برای یک نفر کار کند. وضع کار هم بدتری حراب است که گاهی محبور میشود در مقابل ۹ تومان روزی ۱۰-۱۲ ساعت بیل بزند. تازه مدت بیکاری هم باید از جیب بخورد و به همین علت اجارا راهی تهران شده چون شنیده است اینجا مزدکار بزرگ ۶-۷ تومان است .

وقتی از ۱۲ ساعت کار روزانه حرف میزند بی اختیار یاد حرف یکی از "رجال" سابق می افتد که در مقابل اعتراض به مقررات ۱۰ ساعت کار کشاورزی گفته بود:

"آقا ، چرا نتجیده حرف میزنید! ما که نمیتوانیم از رویا نشی ها مقرراتی تر باشیم. در بخش کشاورزی آنجا هم کارگران روزی ۱۰-۱۲ ساعت کار میکنند."

بعد که پرس و جو میکنیم تا دفعه دیگر "نسخه" حرف نزنیم معلوم میشود که برعکس، در کشورهای اروپائی حقوق و مزایای کارگران بخش کشاورزی خیلی بیشتر از بخش صنعتی است. اگر چه به علت طبیعت تولید کشاورزی که اغلب احتیاج به بیشتر از ۸ ساعت کار روزانه دارد کارگران گاهی تا ۱۲ ساعت کار میکنند ولی اولاً هر چه بیشتر از ۸ ساعت کار کنند اضافه کار نمیگیرند و ثانیاً در فصل بیکاری یعنی زمستان هم که کار نیست حقوق خود را تماماً و کمال

دریافت میکنند .

از اینها گذشته با بیای کارگران بخش صنعت از کلیه مزایای عمومی کارگری مانند بیمه بازنشستگی و حقوق بیکاری و غیره برخوردارند. در حالیکه معلوم نیست وقتی یک کارگر کشاورز ایرانی بیرو فرسوده شد از کجا یا بد بخورد؟ اگر مریض شد و نتوانست سر کار حاضر شود چه کسی حقوق او را پرداخت میکند؟ یا اگر از تراکتور پرست شود در صورت نقص عضو یا مرگ - چه کسی مسئول است؟ آیا مرجع رسیدگی وجود دارد؟

تا آنجا که سبب دادرسی در رژیم ضد کارگری شاه خائن به محض کوچکترین اعتراض کشاورزان بلافاصله سر و کله ژاندارمها پیدا میشود در صورت شکایت زحمتکشان روستائی در واقع از جالبه به جاده می افتادند در سرزمین بیخوار و ماسه میلیون کارگر کشاورزی که در سطح کشت و صنعت ها ، واحدهای تولید مواد غذایی و دامی برانگنده اند که حفظ استقلال کشاورزی ایران بطور عمده بر دوش آنهاست و مسایلشان آنقدر زیاد است که حتی اشاره به آنها هم در یک مقاله نمیگنجد. ما سعی میکنیم در هر شماره یکی از مسایل این زحمتکشان را با زگو کنیم به امید آنکه هر چه سریعتر حل مشکلات ستمدیده ترین بخش خلق در دستور کار انقلاب قرار گیرد .



کوتاه و پر معنی
چند حکایت آموزنده

● شاگردی از معلم خود پرسید، کدام یک از این دو سرمشق بهتر است :

– مردم با ایدانصاف را رعایت کنند

– مردم نباید ظلم را تحمل کنند

معلم جواب داد: البته سرمشق دوم بهتر است زیرا کسانی که امکان زورگویی دارند زیاده‌نویسند ولی مردمی که به آنها ظلم میشود خیلی زیادند و اگر تصمیم بگیرند ظلم را تحمل نکنند به آسانی کلک زورگویان کنده میشود.

نکته

● بیش از مرگ باید از زندگی بدتر رسید. گاهی لازم میشود که زندگی بدی را که داریم به خطر بیندازیم تا زندگی بهتری بدست آوریم.

زن آشپز و اداره مملکت

● مرد زیرکی عقیده داشت که هر زن آشپزی باید بتواند مملکت را اداره کند. از او پرسیدند که منظور تار این حرف چیست؟ جواب داد: "منظورم این است که هم زن آشپز و هم دستگاه اداره کشور هر دو باید عوض شوند"

خاصیت انقلاب

● مردی که از زندگی خود نا راضی بود برای تسکین روحی دست به سفر زد و تمام دنیا را زیر پا گذاشت. در پایان سفر بیجا ره‌ترازی را قبل به وطن خود برگشت. در رختخواب افتاده بود و روزهای آخر عمرش را پشت سرمی گذاشت. یک روز خانه‌اش در اثر انفجار بمب آتش گرفت. جنگ بود و دشمن بمبی بطرف مردمی که پشت خانه او سنگر داشتند پرتاب کرده بود. مرد با عصانیت از جا بلند شد و آتش را با کمک مردم خاموش کرد. بعد به مردم پیوست و همراه آنها به تعقیب سربازان دشمن پرداخت و تا چند سال در جنگ انقلابی شرکت داشت. دیگر کسی نشنید که او از وضع روحی خود شکایت داشته باشد.

نکته

● شرایط زیادی لازم است تا انقلاب پیروز شود ولی کار

انقلابی هیچوقت تعطیل نمیشود و همیشه قابل انجام است.

نکته

● آنکه مردم را دوست ندارد از زندگی خود لذت نمیبرد.

زندانی و پرنده

● شخصی که به زندان افتاده بود مرتباً از پنجره زندان به پرنده‌ها خورده‌ها میداد. یک روز زندان با ناز او پرسید، چرا اینکار را میکنی؟ زندانی در جواب گفت: اینها محتاج کمک هستند چون چیزی برای خوردن ندارند و بدتر اینکه نمیتوانند متحد شوند و مبارزه کنند.

همراهی ظلم و خشم

● کسی که از دیدن ظلم به خشم نیاید نمیتواند طرفدار نظام عدل و برابری باشد. آن کسی میتواند در علیه ظلم و ظالم بجنگد که از دیدن ظلم خشمگین شود.

حکایت قطره آب

● طلسم‌های که در راه کسب علم پشت سر هم شکست خورده بود در اثر ناامیدی سربکوه گذاشت و سه غاری پناه برد. در آنجا زانوی غم بغل گرفته بود و دنبال جاوه‌ای میگشت که صدای حک حک آب توجیش را جلب کرد. پس از کمی جستجو متوجه شد که از سقف غار آب قطره قطره روی سنگ می‌چکد بطوریکه بعد از سالها چکیدن آب، در سنگ به آن سختی گودی ایجاد شده بود. پیش خود فکر کرد وقتی که قطره آب به این لطیفی میتواند در سنگ به آن سختی اثر بگذارد پس انسان با این همه قدرت چه حق دارد که در مقابل مشکلات ناامید شود. با این نتیجه‌گیری از کوه سرازیر شد و با اراده قوی به تحصیل پرداخت و پس از مدتی در ردیف دانشمندان مهم زمان خود قرار گرفت.

موقع انقلاب

● انقلاب موقعی صورت میگیرد که مردم خود را درین دست بینند.





ما که اطفال این دیستانیم
 همه را خاک پاک ایرانیم
 همه ما هم برادر وطنیم
 مهربان همجو هم با جانییم
 ○○○○○○○○
 وطن ما به خای مادر ما است
 ما گروه وطن پرستانیم
 نکردا ریم کز طفولیت
 درس حنای وطن همی خوانیم
 چون که حب وطن را ایمان است
 ما یقینا ز اهل ایمانیم
 کورسید دشمنی برای وطن
 ما نخستین حریف میدانیم
 در ره عزت و بقای وطن
 جان و دل را یگان می افشانیم



○○○○○○○○○
 وطن از رنجبر و کارگران آباد است
 نه اشخاص توانگر نه ز اشرف و کبار
 ○○○○○○○○
 البته هم اسیری وهم برده ای ز آنکه
 ایمان بد انقلاب نیاورده ای هنوز
 ○○○○○○○○
 منتظر از هکس سپرهای بیست
 ناحی ما با زوان سردنار ما بود



چند شعر کوتاه

ایران را بن بهلوان غلطید
 تا بریای خیزد باز
 ایران من شکست
 ایران من شکست ،
 ایران من کوبید بر دیوار
 تا آزاد کردد باز

گرتود و روزی ندهی تن به کار
 بکسره تا بود شود روزگار
 باعث آبادی عالم توئی
 رنجبر یعنی عالم توئی

بر خیز و بین ز خانه تو
 بیداد چگونه مضمحل شد
 این مملکت اسیردیروز
 امروز بسین چگونه مستقل شد



زوری شکست
 لک اس نبرد را کدر ما نه
 مغرب سجده و محکوم
 چون بود متحده تشکیلات
 با گذاردید روی هر موهوم
 با ز هم آنجا نکه در خور اوست
 قدرت خویش را کند معلوم



اعلان زوال سیموزر خواهم داد
 دولت همه را به رنجبر خواهم داد
 با افسر شاه را نگون خواهم کرد
 با دره این عقیده سرخواهم داد

وقتی که کارها می خواهد...

گزارشی از معدن مس سرچشمه

وقتی آدم انبارهای وسایل اسقاط را میبندد دلش برای بیت المال که خف و میل شده است آتش میگیرد. در یک قسمت دهها هزار کیسه سیمان زیر باران و آفتاب فاسد شده و از بیس رفته است و یا هزاران تن آهن و وسایل پیش ساخته زیر باران دوبار باران رها شده. صدها وسیله و ماشین آلات سنگین که صدها میلیون تومان خرج آنها شده است در داخل محوطه زیر باران هفتاس بیخ و مبره، سیم جوش و قطعات مختلف ماشینها ریخته است.

خودش را تا زمین کند، مثلا به جای اینکه افراط ایرانی را آموزش بدهند هزار هزار خارجی به عنوان متخصص و مدیر و غیره به ایران وارد میشوند. در جایی که بهترین و فنی ترین کارگر ایرانی حقوقش از سه هزار تومان بیشتر نمیشد، فلان متخصص معمولی خارجی حداقل حقوقی که میگرفت از ۳۰۰۰۰ هزار تومان پائین تر نمیا آمد. اولی در زیر جادرو درینا- بان زندگی میکرد و برای خارجی ویلای کوهستانی نایت کلاب، بارو هتل و حتی عشرتکده درست میکردند. به علت متوقف ماندن تولید در حال حاضر یک روحیه بی تفاوتی و بی مسئولیتی در کارگران و کارکنان بوجود آمده بعضی ها اصلا فکر نمیکنند که دیگر با این انقلاب اوضاع عوض شده و بیشتر باید از حیف و میل این اموال که متعلق به همه مردم است جلوگیری کرد و در حفظ آن کوشید.



بقیه در صفحه ۲۸

این منظره ای است که موقع ورود به معدن مس سرچشمه نظر را جلب میکند.

مجمع مس سرچشمه در منطقه کرمان و نزدیک رفسنجان قرار گرفته است که این منطقه استعداد زیادی برای آبادانی دارد. این مجتمع در واقع شامل معادن وسیع مس، پالایشگاه، چندین کارخانه وابسته، شهرسازی خاتون آباد، نیروگاه تولیدکننده برق، شبکه آب رسانی منطقه و قسمت حمل و نقل و ترخیص کالا، در بند عباس میباشند که در حال حاضر فقط بیش از سه هزار کارگر در خدمت بخشهای مختلف آن هستند. در زمان رژیم طاغوت قرارداد این پروژه عظیم طبق معمول با خارجیان بسته شد و غارتگران خارجی علاوه بر مشارکت در سرما به گذاری تعداد زیادی کارگر، متخصص و مهندس خارجی با حقوقهای سرسام آور روانه ایران کردند.

در جریان انقلاب شرکتها و سرما به گذاران خارجی که اوضاع را ناچوردیدند، یکی یکی افراد و متخصص خود را برداشته و فرار کردند ولی بدلیل دشمنی شان با انقلاب ما که در درجه اول به آنها ضربه میزد، حتی به هنگام فرار هم دست از توطئه برنداشته و با خرابکاری در قسمتها، مثلا اتصال سیستم برق و یا خراب کردن ماشین آلات و غیره کوشیدند تا شاید اینگونه خسارتها بتوانند یک جوری به انقلاب اسلامی ما لطمه بزنند.

به این ترتیب کار راه اندازی و بهره برداری از این تاسیسات عظیم که میلیاردها ریال هزینه صرف آن شده و بعهده همان شرکتهای خارجی بود به امان خدا رها شد. خب این خیلی طبیعی بود چون رژیم طاغوت تلاش میکرد از هر طریق که شده منافع اربابان

شرح حال



شرح حال شهید اسمعیل عباس زاده عینا "همانطور که به دستمان رسیده است چاپ میشود.
"افرندی بود کارگرزاده، از اول زندگی با رنج و مشقت بزرگ شد و به تحصیل پرداخت، تا کلاس اول متوسطه درس خواند، به علت نارسایی زندگی تشریح تحصیل کرده و در کارخانه جیت سازی به شهر مشغول به کار شد، چندسالی کار کرد تا اینکه به خدمت اعزام شد بعد از خدمت وظیفه، دوباره در کارخانه جیت سازی مشغول به کار شد."

گرامی باد خاطره کارگران شهید

"همیشه شیفتم شب کاری کرده و به تحصیل خود ادامه دادم تا اینکه سوم متوسطه را گرفتیم از کارخانه بیرون آمدیم و در آموزش و پرورش به شهر مشغول به کار شدیم و آنجا هم ادامه تحصیل دادیم تا کلاس پنجم متوسطه را گرفتیم. فعالیت او در انقلاب بسیار زیاد بود و از سال ۱۳۵۰ مخفیانه فعالیت داشتیم. در انقلاب اخیر برای ارتقاء جوانان و تکثیر علامه‌های امام‌خیلگی کوشا بود، دوباره توسط افسر ضابطه اطلاعات و ما موروثی در شهر دستگیر شد، با او اول کمی گفتیم و بعد از آن دستگیر شدیم که دست از فعالیت خود بردارد. ولی کوشش‌هایش حرف‌ها سمع داد. بار دوم که دستگیر شد در شهر با منی به شریبه دستوراً افسر ضابطه اطلاعات به نام مستورن - یکم اکتبر و روحیان و ستوان یکم زاندا رمی بنا ما بزدی او را لخت کرد و تدواری پشت با کابل برق از میچها تا کردن بقدری زدند که بدن او ساه شده بود و یک ماه در خانه بستری و تحت درمان بود، تا موقع شهید شدن آثار شکنجه و ساه‌های بدن او باقی بود."

یکدریم، بعد از خوب شدن دوباره ساه رزه خود را ادامه دادیم تا اینکه در تاریخ ۱۶ دیماه سال ۵۷ در یکی از بخشهای بندرگزینام "کز" موقع درگیری با افراد زاندا رمی در مجلس یا دیوکه به مناسبت سوم محاهد شهید و ساه رز غلامرضا اسدی عرب ما تعداد دیگری از مبارزان به درجه شهادت رسیدند.
از او و فرزند خردسال، یک پسر و یک دختر با ما مانده است."

یادش را همیشه گرامی میداریم



زنان زحمتکش و انقلاب

خانه میساختند و تا آنجا که برایشان امکان داشت در پاسداری از آلونکهایشان در مقابل حملات ما موران رژیم طاغوت، کوشش میکردند.

دروجریان انقلاب

دروجریان انقلاب اسلامی کشورمان نیز زنان نقش بسیاری داشتند. اگر در شروع نهضت جای زنان به خصوص زنان زحمتکش، زنان کارگر را خالصی میبینیم، لیکن در چند ماه اخیر این کمیبودگا ملا از میان رفته بود. به هنگام تعطیل و اعتصابات عمومی کارخانجات نیز به این امر گردن نهاده و زنان و مردان کارگر با دل و جان دست به اعتصاب زدند تا به سهم خود به داد نهضت کمک نمایند. زنان کارگر همچنین در راهپیمایی های بزرگ شرکت میکردند. زنان واقعا با دگرگرفته بودند که به جای گریه و زاری و از دست دادن فرزندشان به یکدیگر تشویق بگویند و فریادها با روحیه محکمتری به مبارزه ادامه دهند. با دمان بمبرودتظا هرات ۱۷ شهریور که در صف جلوآن زنان قرار داشتند که مورد حمله وحشیانه ارتش طاغوت قرار گرفتند و شهید شدند. در این دوران بسیار بودند زنان کارگری که آفسوس می خوردند که چرا زودتر از این جیره کشیف شاه خائن را بشناختند بودند، تا با او به مبارزه بلند شوند.

بعد از انقلاب

بعد از انقلاب با سه راه افتادن مجدد کارخانجات و واحدهای تولیدی، زنان کارگر در بالا بردن تولید بخاطر رشد و تحکیم اقتصاد ملی کشورمان فعالانه شرکت کردند. همچنین از آنجا شبکه امکان ایجاد تشکیلات واقعی کارگری بوجود آمده بود. در بعضی از واحدها، زنان فعالانه شرکت کردند، مثلاً در کارخانه ریسی هنگام بیرون کردن عوامیل طاغوت کارخانها زنان فعالانه شرکت کردند و تا حدودی

در اینجا میخواهم به مسئله نقش زنان کارگر در چند سال اخیر نگاه کوتاهی بکنم و ببینیم که چه تغییراتی کرده است؟

در زمان طاغوت بخصوص در ۱۵ سال اخیر زنان زحمتکش هر چه بیشتر به کارخانجات و کارگاهها راه یافتند و سرمایه داران وابسته نیز تا آنجا که امکان داشت، دستمزدهای بسیار کم به آنان میدادند. دستمزد زنان و دختران نصف و یا کمتر از نصف دستمزد مردان بود. بهر حال زنان کارگر که وظیفه رسیدگی به کارهای خانه و نگهداری را نیز بر عهده دارند، بقیه وقتشان نیز گرفته شده بود و بنا بر این خیلی کم فرصت پیدا میکردند که به کارهای دیگر سرسریه بزنند. مثلاً به کلاسهای شبانه بیرون و یا در ساعات فراغی اجتماعی شرکت کنند.

بی سواد بودن و یا کم سواد بودن اکثریت زنان کارگر نیز از جمله ضعفهایی بود که خود را عت با ثبات بودن آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان میگفت. اما با همه این احوال در زمان طاغوت و قبل از انقلاب، بارها زنان کارگر به همراه برادران مسافرت در کارخانجات و کارگاهها با اعتصاب کردند. درست است که این اعتصابات غالباً با خواستههای صغیری و رفاهی همراه بود، ولی خود در به حرکت درآوردن زنان کارگر نقش مهمی داشت همچنین در سطح زنان زحمتکش ما شاهد مبارزات وسیع آنان در هنگام خانه سازی در خارج از محدوده بودیم. کم نیستند مثالهایی که نشان استنادگی و مقاومت زنان زحمتکش در برابر زاندارمها و ما موران شهرداری رژیم طاغوت بود. از جمله در محله زورآباد کرج میتوان از هنگامی یاد کرد که زن زحمتکشی خود و فرزندش در جلوی بولسدرز شهرداری خوابیدند و گفتند با بداول از روی صارد شوی و بعد سوار خانها را خراب کنی. و بسیار با خجی آنها دو خان آنها دکه زنان با مردان شبانه

درپاکسازی این محیط موفق شده اند. کارگران زن این کارخانه در راه پیمائی های بعد از انقلاب نیز شرکت کردند. در راه پیمائی اول ماه مه - روز جهانی کارگر که از طرف حزب جمهوری اسلامی دعوت شده بود شرکت کردند. در راه پیمائی به مناسبت روز زن نیز تعداد نسبتاً قابل ملاحظه ای شرکت نمودند.

مشکلات و راه حل

با توجه به مثالهای فوق، با وجود اینکه ما تغییراتی را در حرکت اجتماعی زنان زحمتکش میبینیم، لیکن بخوبی میتوانیم بگوئیم که دارای کمبودهای بسیار زیادی است. چرا این چنین است؟ این مربوط میشود به رژیم طاغوت و ضعفهای زیادی که در اسلحه این رژیم در زندگی



مربوط به کارخانه شرکت کنند. خودآمادگی بیشتری پیدا میکنند و یا دمگردد که فعال باشند.

۲- کمبودهای فرهنگی. از مسوادی گرفته تا ندانم کاری های بسیار زیاد است. ارتباط صحیح با برادران کارگر یعنی اینکه هرگاه لازم باشد آنها بتوانند صحبت کنند و روی حرف آنها اظهار نظر کنند. زیرا چه سازه زن کارگر را حل بهتری را بداند ولی نوعی ترس و واهمه میماند از طرح آن راه حل شود. همچنین زنان کارگر برای سوادآموزی باید از تشکیلات خودخواهند که برای نشان کلاس بگذارند در ضمن سندیکا و یا شورای واقعی کارگری میتوانند در هر جلسه های بعدی کلاسهای آموزش مسایل سیاسی - صنفی برای همه کارگران بگذارند و در این کلاسها کارگران را با مسایل و مشکلات کارگری آشنا سازند و آنها را در جریان مسائل مملکتی قرار دهند.

نداشتن وقت کافی. زنان کارگر با بد فرصت یا دگرگرفتن و شرکت در مسائل اجتماعی را داشته باشند. بعضی باید بتوانند هم بچه داری و هم خانه داری بکنند و هم در کارخانه کار کنند و هم در کلاسها شرکت کنند. پس خواست همه کارگران برای کم کردن ساعت کار در هفته تا ۴۰ ساعت و تعطیل نمودن روزهای پنجشنبه یک خواست اصولی است. تعطیلی پنجشنبه برای همه کارگران زن و مخصوصاً برای زنان کارگر بسیار مفید است. آنها فراغت پیدا میکنند که علاوه بر رسیدگی به کارهای خانه، به دیگر مسایل زندگی خود بخصوص مسایل سیاسی و اجتماعی نیز رسیدگی کنند و بطور دائم به آگاهی خود اضافه کنند.



زحمتکشان بوجود آورده است. اما هم اکنون چگونه به حل این مشکلات بپردازیم؟ چگونه میتوانیم زنان زحمتکش را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف عالی آن شرکت دهیم؟ چگونه میتوانیم از کمک و یاری آنان در ساختن ایرانی آباد آزاد و زسلطه هر کشور بیگانه و تاسمین رفاه، بیشترین استفاده را بکنیم؟
میتوانیم کمبودها و نقائص را در چند مسئله خلاصه کنیم:

۱- نبودن تشکیلات واقعی کارگری که هم مدافع حقوق حقه کارگران باشد و هم بتواند آنها را بخصوص کارگران زن را در تمامی کارها شرکت دهد. چون وقتی زنان در محل و فصل مسائل کارگری و امور



نوشتن قانون کار حق مسلم ما است.

دوستان عزیز کارگر

اطاقهای در بسته نوشته شود. نوشتن قانون کار حق مسلم ما است و این پرسشها مه هم کمک میکنند تا برای آن آماده شویم. از قول من به کلیه خواهشگران و برادران کارگری گوشید روی این سوالها خوب فکر کنند و لااقل برای خودشان جواب پیدا کنند:



با اعتقاد بر اینکه کارگران ایران قانون کاری میخواهند که خود در تدوین آن شرکت داشته باشند و با اعتقاد بر اینکه این قانون باید با سخنگوی انقلاب عظیمی باشد که ستون اصلی آنرا کارگران تشکیل دادند هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران شرکت فعال در تدوین قانون کار را در دستور کار خویش قرار داده است.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران تشکیلاتی است که بوسیله کارگران موجود آمده و متعلق به آنان میباشد و آنجا که تاکنون تعداد قابل ملاحظه ای از واحدهای کارگری را تحت پوشش خود قرار داده است حق مسلم خویش میدانند در امور حیاتی کارگران شرکت داشته باشند لذا با امید به اینکه بتوانند نقش مؤثری در تدوین قانون کار جدید ایفا نمایند تمام برادران و خواهران کارگرو سایر دوستان صاحب نظر که امر خدمت به کارگران را وظیفه خویش می شمارند درخواست می نمایم در تهیه طرحی که مبین منافع کارگران ایران باشد ما را یاری دهند.

بنا بر این — از دوستان کارگر تقاضا داریم پس از بحث و تبادل نظر با یکدیگر با حوصله و دقت حواسها را باسخ گفته به انضمام سایر پیشنهادات احتمالی به آدرس هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران که در پشت محله میباشد ارسال دارند.

قبل از چاپ پرسشها مه متن آن را با چند کارگر در میان گذاشتیم. یکی از کارگران ضمن پیشنهاد اقا فیه کردن چند سوال گفت:

"امروز وقت آن است از خودمان بپرسیم واقعا چقدر از وضع و حقوقمان خبر داریم؟ باید معلوماتمان را زیاد کنیم و نگذاریم مثل سابق قانون در

برای اینکه مثل سابق قانون کار در یک چنین اتاقهای در بسته ای نوشته نشود، پیگیری تک تک کارگران احتساب نباید است

برای شرکت فعال در تدوین قانون کار قانون کار موجود را مطالعه کنید، آنرا در جلسات سندیکا یا شورائی خود به بحث بگذارید و نظرات و پیشنهادات خود را برای ما بفرستید.

قانون کار جدید باید با شرکت فعال کارگران تدوین شود

هدف ما تمام کارگران است

مسزادنی از آبادان

صحبت بودیم که ما حکما را مدو با دخالش ما منع کار ما شد، دفتر صورت جلسه را از دست ما گرفت و قصد پاره کردن آنرا داشته و میگفت شما باید اول گزارش شما را شناسان نشان دهید، ما میگفتیم دفتر را اول کنید تا با شما صحبت کنیم، اما او حاضر با ما نبود تا اینکه بنقیبه دوستانش که آنها هم ما حکما را بودند آمدند و بجا نبداری را و ما حمله کردند، ما که می دانستیم اینها همه اش به ما است و آنها خیال دارند با این کارها در واقع ما منع بوجود آمدن سندیکای کارگران بشوند همچنان به توضیحات خود ادامه می دادیم، بعد از قریب سه ربع ساعت سروصدا و شلوغی جمعیت آنها از دست ما ناکی و ما تهمت میردند که شما در کارگاهها اخلال میکنید و ما بند کمته روید ما هم از آنجا شکه بکار و هدفمان انمان داشتیم و میخواستیم نشان دهیم که این تهدیدهای آنها نمی ترسیم با آنها بکمته رفتیم، در کمته مرکزی آبادان تا کی یعنی ما حکما رو بنقیبه که همراه ما بودند دور از چشم ما بگریز مسئولین کمته مراجع و ما را اخلالگر معرفی کرده بودند، سر خورد مسئول کمته ما از همین بنشدا و ریچها ها می شد که ما به آن اعتراض کردیم ولی توجه نکردند، حتی مسئول کمته دعوتنا به ها، صورت جلسه، محله کارگران ایران و جزوه "یک سند تاریخی" را که با صلاحتی مطالعه کرده بود، ما میگفت شما برای نسیم خاکسار صلح میکنید و در جلسه ها بیتنا و شرکت کرده و برای بتان صحبت میکنند، ما این تهمتها را شدت رد کردیم، اما او میگفت که شما دروغ میگوئید، ما تا شنبه کنفدراسیون را جانب وزارت کار را با نشان دادیم ما او با سی اعتنائی آنرا بکنار گذاشت، ما حکما رو همراهانش نیز داد شما تهمتها دیگری میزدند، در میان آنها ما حکما ری بود که بسا مؤمن به اسلام و مترقی بود که بنظر ما نه قضاوت میکرد و وقتش بحرفهای ما گوش داد ما حق داد و گفت، اگر واقعا هدفتان خدمت بکارگران است بسا خوب است و انشا الله موفق باشید، اما ما حکما را شکی و بنقیبه دوستانش ورق بزنید

دوستان عزیز هیئت دبیران کنفدراسیون کارگران ایران، خسته نباشید، ما هیئت مؤسین سندیکای در شرف تأسیس کارگران جوشکار، آهنگر و درو بنجره ساز آبادان از طرف دوستان وفادار سندیکای خودمان بشما که در راه احقاق حقوق با ما مال شده کارگران زحمتکش ایران توسط سرمایه داران خود خواه و سنبل، ارزندگی ما به میگذارد، صمیمانه و مخلصانه درود میفرستیم.

قبلا با داور میخواستیم که ما بخاطر فعالیت در بین کارگاههای متعدد جوشکار ریوسا بر بخشهای فلزکاری برآکنده در سطح شهر با اشکال روبرو هستیم، ما هیئت مؤسین سندیکای بخاطر تشکل کارگران آهنگر جوشکار و درو بنجره ساز سندیکای واقعی خودنا به امروز (۵۸/۷/۲۰) نزدیک جها را ما است که اقدام به بخش دعوتنا به ها می در میان آنها نموده ایم تا بخاطر بحث و تبادل نظر جهت تشکیل سندیکای واقعی خود در گرد هم آئیها شبکه جمعه ها برگزار میشود شرکت و ما را در این امر مهم و حیاتی یاری نمایند، در این مدت کم و بیش آمدند و مشکلات و نظرات زیبا دی مطرح شد در ضمن صورت جلسه ها می تهیه کرده بودیم که از نظرا داره کارها اشکالاتی داشته نا جا ر به تهیه صورت جلسه جدیدی بدون اشکال شدیم، از آنجا که تمام کارگران (۷۵ نفر) یکجا با هم در جلسات شرکت نمیکردند و ما هم میخواستیم هر چه زودتر صورت جلسه جدید را تهیه کنیم و با داره کارها مراجع کنیم تا آنرا تأیید نماید لذا تصمیم گرفتیم که بکارگاهها برویم و صورت جلسه را تکمیل کنیم.

صبح روز پنجشنبه ۵۸/۷/۱۲ به همین منظور با تعدادی دعوتنا به، محله کارگران ایران و جزوه "یک سند تاریخی" کنفدراسیون بکارگاهها رفتیم، بعد از توضیحات لازم و دادن دعوتنا به به آنها صورت جلسه ای که تهیه کرده بودیم مفا می کردند، به همین ترتیب پیش میرفتیم و گاهی هم بر خوردها می شدیدی بعضی از ما حکما را نداشتیم، ساعت ده و ربع بود و از ۲۵ نفر از کارگران کارگاهها مختلف مفا گرفته بودیم که بکارگاه دیگری رسیدیم، با کارگران آن مشغول

میباشد ، حدود ۳۵۰ کارگر در معدن کار می‌کنند که اغلب محلی بوده و جدیداً " تعدادی از اطراف شهر زلزله‌زده طبرستان ناحیه کوچ کرده اند . کارگران این معدن چون در معادن اطراف (مس ، ذغال ، سرب و غیره) کار کرده‌اند از تخصص بسیار خوبی برخوردارند .

۳۵۰ کارگر این معدن تعدادی در امر خانه سازی برای کارگران اشتغال دارند ، تعدادی در امور کارخانه و اکثریت آنها حدود ۲۰۰ نفر در تونل زیرزمینی معدن در شرایط طاقت فرسا کار می‌کنند .

در ۱۷۰ متری عمق زمین درحالیکه آب از سقف می‌ریزد ، جکش برفی کارگران با آن هوای کشنده اکثر کارگران را مریض و به سل و سلکوزم و سایر امراض مبتلا نموده است ، البته شرکت یک دکتر فیلسینسی به آنجا آورده که حقوقش را از وزارت بهداشتی دریافت می‌کند که سه کارگران زبان او را می‌فهمند و نه او زبان کارگران را حقوق ۳ استادکار معدن که پسر - مردی است بنام جها سخت فاطمی با نزدیک به ۳۰ سال سابقه کار در معادن و تخصص خیلی بالایی برای ۸ ساعت کار ۱۴۵ تومان است حال تو حدیث بفعل بخوان ...

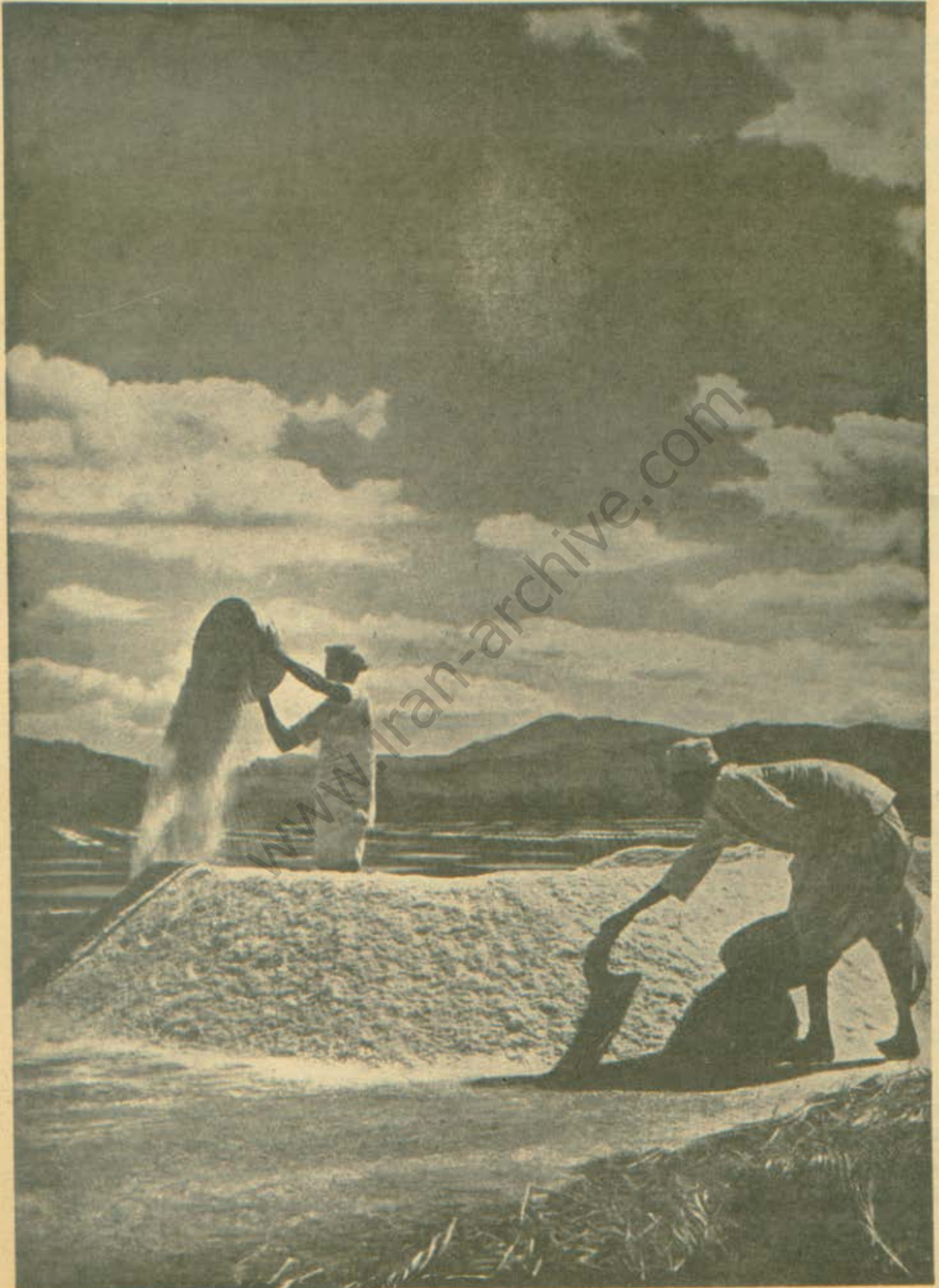
کارگوانی با حقوق ۲۱ تومان در معدن کار می‌کنند و کارگران قسمت کوه‌کسی که مشکلترین و طاقت فرسایترین کار معدن را انجام می‌دهند روزانه ۴۰ تا ۵۰ تومان مزد دریافت می‌دارند البته کارگران نازکیها حقوقشان اضافه شده اما آنقدر نیست که حتی تکافوی نیازهای اولیه زندگیشان را بنماید ، کارفرما مرتب مسکنی که در بیابان به آنها داده به رخشان می‌کشد انگار کارگران باید زیرآفتاب در کویر زندگی کنند . تعداد کارگران با خانواده‌شان در این ناحیه ۲۰۰۰ نفر است که در ۳۰۰ خانه مسکونی زندگی می‌کنند . شرکت تعاونی که ارزاق عمومی را در اختیار آنها قرار دهد وجود ندارد و اغلب کارگران باید با نیازمندی‌های خود را از شهر بپوشانند تا همین کنند یا با قیمت چند برابر در منطقه .

کماکان حاضر قبول حرفهای منطقی ما نبودند و سعی داشتند ما را محکوم کنند ، این ما حکما ربا برخ کشیدن شروتن برای اینکه بخیال خودنا بت کند که گویا ما اهل کار کردن نیستیم ادعا میکرد " اگر شما راست میگوئید و کارکن هستید من حاضرم برای شما کار کنم با زکتم تا برای خودتان کار نکنید ما هم بخوبی جواش را دادیم که این پیشنهاد شما مشکلات و درد تمام کارگران را دوا نمیکند ، هدف ما تمام کارگران است نه شخص خودمان . اما او میگفت شما چرا رسیدن کارگران دارید . بهر حال بعد از مدتی آن ما حکما رمدی که نمونه یک مسلمان واقعی بود و حرفهای ما را قبول کرده بود ما بقیه ما حکما رها و بخصوص شاکی صحبت کرد و او را آنها خواست تا دست از شکایت بردارند که آنها هم سنا جا قبول کردند و رفتند . محله‌ها و سایر نشریات ما را با طاق دیگری بردند تا مطالعه و بررسی کنند ، بعد از نیم ساعت معمم جوانی کلیده نشریات و مدارک ما را با خود آورد و ما پس از دیدن تأشیدیه وزارت کار گفت : بسیار خوبست ، شما می‌توانید بروید و انشا الله موفق باشید ، بعد از دو ساعت و نیم که از کمیته بیرون آمدیم ، سراغ بقیه کارگران هم رفتیم و بکار خود ادامه دادیم .

● کار در ۱۷۰ متری زیر زمین

گزارشی از معدن مس قلعه‌زری

در ۷۷ کیلومتری جنوب بیرجند در تپه ماهورهای کویر معدن مس قلعه‌زری واقع شده است سرمایه - داران ژاپنی از سال ۱۳۴۸ در این منطقه اقدام به اکتشاف و کندن تونل نموده‌اند پس از تهیه مقدمات و ساختن چند ساختمان در اوایل سال ۱۳۵۴ معدن شروع به بهره‌برداری نموده است . سرمایه‌گذاران ایرانی این معدن بزرگ آقای فریدون زاهدی سرمایه‌گذار بزرگ معادن لوت و ... میباشد و همچنین خانواده‌های آل‌بویه ، رزاق‌منش و سهرابی انارکی . این معدن از غنی‌ترین معادن زیرزمینی ایران میباشد که سنگ معدن آنها دارای ۶۷ درصد مس



قصه زیور خانم

شب تاری بود چشم چشم را
 نمیدید، به جز سیاهی شب هیچ
 چیز دیگری نبود، نیمه های شب
 بود. شهر شیراز داشت از جنب و
 جوش می افتاد ولی در کپرها و
 زاغه های دباغی شیراز مدتها بود
 که مردم خوابشان برده بود چرا که
 آنها کارگر بودند و میباید صبح زود
 سرکار بروند ولی در زاغه زیور خانم
 چراغی سو سو میزد گویا هنوز بیدار
 بودند. آخر زیور خانم بعد از
 اینکه شوهرش را از دست داده بود
 دیگر نه خودش آرام و قرار داشت و
 نه سه تا بچه اش. همیشه میگفت حالا
 خودم به جهنم نمیدونم با این
 سه تا بچه معصوم چه کنم مخصوصا
 حسین که الان ده ساله و چیزی هم
 سرش میشه از مرگ پدرش خیلی
 ناراحت و مثل بچه های دیگه
 نمیتونم گولش بزدم.

راست میگفت واقعا برای زیور
 خانم دردناک بود. زیور برای
 اینکه بتواند زندگی بچه هايش را
 بچرخاند درخت شوئی و هر کار
 شرافتمندانهای را که پیدا میشد
 برای نان بچه هايش میکرد. تمام
 خانه و زندگی آنها عبارت بود از
 یک کلبه مانده حدود ۳x۲ متر دور
 این خانه نه حمامی داشت نه پوش
 بهر حال آن شب، چراغ خانه
 زیور خانم تا دیروقت سو سو میزد
 خبری شده بود حسین پسر ده ساله
 زیور بیقراری میکرد. گویا روز
 پیش وقتی که با چندتا از پسرهای
 شهری بر خورد کرده بود به گوشش
 خورده بود که آنها ما درهاشان وقتی

که میخواهند بخوابند برایشان
 قصه میگویند. از شاه پریون از
 اکوان دیو و زقشرشته های آسمان
 و بالاخره از همه چیز، زیور طاقت
 نیاورد و شروع کرد آرام اشک
 ریختن و به حسین گفت: پسرم
 من او چیزائی که گفتن نمیدونم
 و شاید دچار خیالات شدی ولی چشم
 حالا منم برات مثل همه مادران
 قصه میگم. اما چیزی که میگم قصه
 و خیالات نیست واقعه. پسرم
 هیچ داستان و قصه ای مثل زندگی
 پدر مرحومت نیست، یعنی همه ما
 زندگیمون اینه هر کار گروهی
 زحمتکش زندگی یک کتابسه
 بهر حال میخوام یک قصه از
 زندگی خودمون برات بگم. حسین
 آرام بر روی گلیم دراز کشید و در
 چشمهای ما درخیره شد بلبه پسرم،
 در گذشته هفتاد و دو ساله و پدرت
 توی بدهه و نورگوه زندگی میکردیم
 من پدرت را میشناختم یکی از

هم داشت. من اکبر صبح کله سحر
 که با گله به صحرا میرفت دیدم کسی
 نمیدیدش تا بعد از ظهر گاهی وقتا
 شب هم با گله میخوابید. به شب
 کدخدا آمد و خون ما و ما عموم سو
 گوش همدیگه به چیزائی گفتند و
 کدخدا رفت. آخر من پدر و ما درم
 از من نگهداری میکرد.

بعد از فهمیدم که اکبر کدخدا را
 به خواستگاری من فرستاده، خلاصه
 در دسرت ندم، من و اکبر پدرت
 توی مدت کوتاهی شدیم زن و شوهر.
 من و پدرت توی ده روزای بی
 نداشتیم بانون خالی هم با
 همدیگه دلخوش بودیم ولی پدرت
 غروب که خانه می آمد دیدم که
 حرکت نداشت، حتی شام هم
 چیزی نمیخورد همش از درد کمروپا
 دردمینا لید. خودش میگفت
 میخوام ارباب را ببینم و پیش
 بگم این مزدی که به من می



کفاف زندگی منونمیکنه. آخره
 ما هی ۳۰ تومن و ده من گندم کجای
 من میرسه، تازه به زودی زیاد هم
 میشیم، بچه دار هم میشیم بیچاره
 خرجی پدر و مادر پیرش هم کردن

جوانی ده بود، کارش گله داری
 بود، همه احترامش را داشتند و
 محبوب بود. من اکبر پدرت
 چون ارباب ده بود، این اربابه
 چندتا گله ای بزرگ در ده های دیگه

بله الان چهار سال از مرگ پدرت میگذره و زندگی خودمون اینه که مسمینی.

با یات مردیدون اینکده بفهمه چرا مرد؟ چرا نتونست مثل اون بالا شهریها زندگی خوبی داشته باشه. اون در تمام عمرش نتونست یک لیخنه بزنه.

بهرم همه زحمتکشها همینطورن به دور و سرت نگاه کن، همه مثل خودمون، بله بهریم دنیا همیشه اسطوره مسمونه ما لآخره روزی هم دور ما میرسه. ما بدما صدوار سود بخواب بهرم که فردا صبحوای سری مدرسه، منم صبحوام بهرم سرکار، حسن بعضی گلوس را مقصد به سرون بیت آنا دخیره شدسه دیوار خلوی محوطه خیره شدسه رحمت توانست این حمله را روی دیوار بخوابد، آنجا با خط سرح و درشت نوشته شده بود:

مرگ بر شاه

کمک قلی به کاری تو یکی از کوره پزخونه ها پیدا کرد پدرت هر روز مجبور بود کله محریه ساعت دو ساعت بیاد راه بره تا به کوره آخر بزی برسه، کار برایش خیلی سخت بود ولی چه باید میکردیم من هم کمک با یات کارا می میکردم تا اینکه ما لآخره دیونا خواهر دیگت هم به دنیا آمدن دیگه ما مون در کنار قلی نمیشد، پدرت گفت: باید به راهی بگیریم برای خودمون دست و پا کنیم. نمیدونی با چه زحمت و مشقتی تو بستیم هم اینجارو درست کنیم. همین چندخت را که میسستی منو پدرت تا نیمه های شب روزی هم میدیم. منو با یات وقتی که شبها به هم میاریم از ریدگی خودمون و بیخودیمون میگفتیم با یات یعنی میگفتیم از ریدگی در سرت میگفت. ای با ما بیچاره و تقسیم کنس به سرت از این به ما میبرسه. او صبحواست ما را از سنجوری تا بیگانه که ما در دور جری کشیم ولی من همه چیز و منو دستم. بله همین چهار سال پس بودیه شب پدرت خواستند، دیگه سدا رفتند.

اکبر بود. یادم میاد بعد از تولد تو بود که اکبر دلگرم به زندگی یک روز رفته بود شهر پیش ارباب و تقاضای مزد بیشتر کرده بود و ارباب بهش سرخورده بود و بهش گفته بود از این به بعد اخراجی و یک مکتوب داده بود به کد خدا که حیوانا رو به کس دیگه واگذار کنه روزی در دماکی سرای ما بود حالا دیگه ما خودمون سویدیم. تو هم بودی. روزها و شبهای سختی به ما میدخت. پدرت بیکار هم نبود به روزی کده دکتر از شهر آمده بود پدرت باها و کمربنده دکتر نشان داد. او پیش گفت: تو ما نسیم یعنی در دهمسکی با و کمرداری و با بدری سیر خودمون معالجه کنی و کار سخت هم کنی ما او نتونست حصری از حرفهای دکتر نفهمیدیم ما اسکندرووری قلی یکی از هم و لاسی های سلی از سیر آمده بود. و معر ندک سده بود لا اقل به لاسی سونی نسیم بود. وقتی فهمید که پدرت بیکار و مریضه گفت با تو بریم شهر و مدتی هم نسوی کلمه قلی سویدیم با لآخره پدرت با

نتیجه سی احتیاطی





نامه‌های رسیده

یک نامه از جیت ری

کارخانه مدت ۲۲ سال است که تاسیس شده و از سابقه مبارزاتی بسیاری برخوردار می‌باشد در دوره طاغوت بعثت فشا روستم بیش از حدی که بر ما کارگران میشد همیشه اعتراضات حق طلبانه وجود داشت و کارگران زیاد را به خاطر اینکه بر ما رنمیرفتند اخراج می‌کردند. بعد از اینکه انقلاب به پیروزی رسید ما کارگران توانستیم چندتن از عمال کارفرما مثل خان محمدی، حسن زاده و راست زورخانی حفاظت را اخراج کنیم. عیسی کوروس - حسن کوروس و کاظم کوروس و محمود ده دشتی صاحب کارخانه هستند. به نظر بیشتر کارگران اینها با بد محاکمه انقلابی بشوند. مثلا کاظم کوروس آنطور که در موردش می‌گویند چیزی فرقه فرا ما سوئری بوده که با بد در دادگاه انقلاب مشخص شود. بعد از انقلاب هنوز برای ما کارگران مشکلاتی وجود دارد که بیشتر این مشکلات جز خواسته‌های اولیه ما می‌باشد. بخاطر نوع کاری که ما داریم خطر برتاب ما کو وجود دارد که تا بحال باعث مجروح شدن عده‌ای از کارگران شده و با حدود یکماه بیش دست کاری لای دستگا ه رفت و سه تا از انگشتانش قطع شد. به خاطر این خطرهای احتمالی ما احتیاج به آمبولانس و شخص واردی داریم که حداقل تا رسیدن به بیمارستان کمکهای اولیه را انجام دهد. از نظر بهداشتی وضع کارخانه خیلی بد می‌باشد. به علت نداشتن غذا خوری خیلی از کارگران مجبورند غذای خود را پای دستگا ه بخورند و با در مدت بسیار کوتاهی در رخت کن. این وضع غذا خوردن به ما خیلی لطمه میزند. چون غذایی که می‌خوریم آلوده به کرک پنبه می‌باشد و باعث مشخص هم برای غذا خوردن نداریم. این یکی از مشکلات ما است که با بد با ابعادناهار خوری در کارخانه حل شود. وضع آب هم دست کمی از غذا خوردن ندارد. با بد در سالن آب سردکن بگذارد.

ما کارگران به خاطر نوع کارمان زمینه مناسبی برای گرفتن سل و سیما ریه‌های ریوی داریم. به خاطر این موضوع احتیاج زیادی به شیردایم که باید به همه ما کارگران شیر بدهند. ولی اینکار تا به حال انجام نشده است.

در قسمت دیگر نامه آمده است: اینها گوشه‌ای از مشکلات اقتصادی ما بود. از نظر سیاسی ما کارگران خواسته‌هایی داریم، انقلاب کردیم برای اینکه بتوانیم در مسایل سیاسی خودمان شرکت کنیم. ما نسبت به شورایی تفاوت نیستیم. و میخواهیم که در آن نقشی داشته باشیم. برای همین از شما توقع داریم که ما را بیشتر در جریان کار و تصمیم گیریها بگذارد. چون اختلاف نظرها و مشکلاتی که در شما هست از طریق ارتباط با کارگران خیلی بهتر حل میشود و رشد و آگاهی ما کارگران هم میتواند بالا برود.

کارگر جیت ری

نامه‌ای از ملایر

(از طرف منف کارگران آهنگر - خوشکار)
"در زمان رژیم گذشته ما کارگران ملایر را که داخل شهر کار میکردیم به بیرون شهر یعنی حاده کمر بستگی منتقل کردند که ما خریدن و کرا به کردن دکان شروع به کسب و کار نمودیم تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید."

در قسمت دیگر نامه آمده است:

"در حال حاضر مسایل زیادی هست، مثلا بعضی افراد سودجو در داخل شهر جلوی خانه خود را بپا کرده و شروع به کار کرده اند که هم مزاحم مردم هستند و چون مشتری‌ها هم دیگر به قسمت کمر بستگی نمی‌آیند کار ما کم شده است."

اما یکی از نکته‌های مهم که برای آن در شهرداری جمع شدیم تحویل گرفتن اتحادیه توسط نماینده‌هایی

مطلب دیگری که میخواهم بگویم بی توجهی مسئولین شهرداری نسبت به وضع معیشت و برنامهاهایی است که در جهت رفاه ما کارگران بایستی به مرحله اجرا درآورند... که بدون در نظر گرفتن هزینه زوزاقزون زندگی بعضی از مزایای دریافتی من و همکارانم را گسرنموده اند و بمجرد مطرح ساختن ویا در مقام تقاضا برآمدن، غیر مستقیم ما را متهم به خدا انقلاب میکنند ولی توجه به این امرندارند که ما کارگران ستون اصلی انقلاب ایران بوده ایم، هستیم و خواهیم بود و از نظر وظایف مهمی که در گردش جرخ اقتصاد مملکت و حفظ دستاوردهای انقلاب داریم کوچکترین لگهای بردمان یا کمات نمی نشیند.

ضمنا یک درد دل هم با مسئولین بهداشت شهر خودمان داریم. چه خوب بوداگر برنامهای مرتب برای محیط کارگاهها تهیه می نمودند و هر چند مدت یک بار به کارگاهها سرکشی می نمودند و از لحاظ بهداشت طرحها و شیوه کارها فرما میدادند. مثلاً با نداشتن کارگاهها سفلت شهرداری رقت با راست گها زگفتن آن شرم داریم. کارگران این کارگاهها توجه به گاز مارد را ز سر و گردنمان برانواع امراض مبتلا هستند و شهرداری که خود وظیفه مهمی در حفظ بهداشت عمومی بر عهده دارد توجه کافی به وضع کارگران خود نداشته و از نظر بهداشتی و رفاهی به آنان نمیرسد. انشاء الله در فرصتهای بعدی بیشتر با هم درد دل خواهیم کرد.



کارگران شهرداری اصفهان

بود که در شهرداری خودمان انتخاب کردیم که از این کارریش سابق اتحادیه خودداری کرد و اتحادیه را تحویل نداد و با در نظر گرفتن اینکه از ما مبلغ زیادی پول به عنوان حق صنفی و جواز گرفته اند و تمام وسایل اتحادیه مانند صندوق، تلفن و صندوق نسوز... و حتی کرایه دفتر اتحادیه را خودمان دادیم و میدهم و لسی اتحادیه را به ما تحویل نمیدهند.

"ما دوباره از فرماندار و شهردار خواهستیم که رسیدگی کنند که هنوز ترشیمی داده نشده."

"من به عنوان یکی از نماینده های آهنگران ملایر تقاضا دارم که خواسته های ما در مجله کارگران ایران چاپ شود تا کمیته ما و دولت به وضع ما برسند."



خلی دلم میخواست وسیله ای بود که توسط آن درد دلم را برای هموطنانم بازگو کنم و حالا خلی خوشحالم که میتوانم بوسیله مجله خودم (کارگران ایران) با هموطنانم درد دل نمایم. گرچه زیانی گویا که شایسته باشد ندارم ولی فکر میکنم با زبان ساده کارگری بهتر میتوان گفت و شنید البته باید در نظر داشت که زبان کارگرمانند قلبش ساده و بی ریاست است.

درد دل من از وضع نامساعد کار و مشکلات ناشی از آن است. مثلاً وقتی میبینم که بعضی از همکارانم پشت کار میونهای زباله کش آویزان میشوند لریزه بر اندام میافتد و با اینکه کار را اهمیت موضوع را به اطلاع مسئولین رسانده ایم ولی متأسفانه از آنجا که گوش شنوا وجود ندارد به این مسئله مهم کوچکترین توجهی نشده است. خدای نکرده اگر اتفاقی برای بکنفر رفتگرافتاد (که تا بحال چندین مرتبه افتاده است) مسئولین امر نزد خدا و وجدان خود شرم نموده نیستند؟ این درست است که زباله های شهر باسد جمع آوری شود ولی جان یک انسان بسیار عزیزتر است خصوصاً اینکه کارگر باشد. چه میشود اگر کارگاههای حمل زباله مجهز به اتاق مخصوص کارگر باشند تا از هر پیشامد ناگوار و جلودگویی شود؟

آیا امید انید که ...

چند کلمه سیاسی

اعتصاب

این کلمه در مقایسه با خیلی از لغات جدید است پیدایش این لغت با پیدایش نظام سرمایه داری و با ظهور کارگر و کارفرما متصادف است .

اعتصاب یک نوع محمل دفاعی است و نه حمله . برای مثال در مورد کارگران ، عملی است دسته جمعی برای گرفتن حقوق و زمره و فوری . مانع دستمزدهای کمتر ، کم کردن ساعات کار و یا بهتر کردن شرایط عینی و از این قبیل امور .

اعتصاب مساویاندهدنیهای مختلفی داشته باشد . در بسیاری از کشورها کارگران توانسته اند با مبارزه و اعتصاب - حق اعتصاب کردن را فاشیونی کنند . اعتصاب بیشتر برای گرفتن حقوق صنفی ، حرفه ای و اقتصادی انجام میشود . اما گاهی نیز کارگران ملاحظه سیاسی دارد . مثلاً کارگران خودمان در طی سالهای مبارزاتشان علیه حکومت شاه و امیرالبحرین - اعتصاب سیاسی کردند . بطور کلی اعتصاب از طبقه کارگر به سایر اقشار و طبقات مردم سرایت کرده است و آغاز یک عمل صرفاً کارگری بوده است .

انقلاب

انقلاب در لغت به معنی دگرگونی است . انقلاب در جوامع بشری یعنی سقوط طبقات حاکم و پیدایش طبقات محروم . این عمل در شرایطی انجام میشود که طبقات حاکم نمی خواهند حکومت را از دست بدهند و

طبقه محکوم و زیر دست نیز حاضر به زندگی در وضع موجودش نیست . در اینگونه مواقع اختلافات طبقاتی بسیار شدید است و طبقات مظلوم در یک مبارزه قهرآمیز طبقه حاکم یا عامل اصلی محرومیت های خود را سرنگون میکنند و حکومت را بدست میگیرند .

در جوامعی که طبقات دارا و ندار را با ظالم و مظلوم زندگی میکنند ، انقلاب یک امر جمعی و جدی است . انقلاب همیشه باعث رشد و شکوفاشدن تولید و جامعه میشود چون نظامات کهنه و ارتجاعی را درهم شکوید و نظمی نوین برقرار میکند .

استثمار

استثمار یعنی شمر و حاصل کار دیگری را تصاحب کردن . استثمار در دوران های مختلف تاریخی شکل های گوناگون وجود داشته است . طبقات دارا با غصب ابزار و لوازم تولید از احتیاج جامعه به محصولاتی که برای ادامه زندگی انسان لازم است سوءاستفاده کرده و به استثمار دیگران پرداخته اند مثلاً برده داران با تصاحب زمین ، ابزار تولید و حتی انسان (برده گان) حاصل فعالیت آنها را به جنگ می آوردند ، و مالکین زمین با فئودالها دستریج و محصول دهقانان و رعایا را مال خود کرده و حالا سرمایه داران کالاها شبکه کارگران میسازند در تملک خود دارند .

استثمار همواره یکی از علل انقلابات علیه طبقات استثمارگر و حاکم بوده است .

استعمار

معنی لغوی استعمار ، عمران و آباد کردن است



کودکی یتیم در مزار بدر

اما استعمار در واقع عملی است که غارتگران و متجاوزین یا کشورهای امپریالیستی برای تسلط و جباول انجام میدهند. مثلاً آمریکا به سپاه آباد کردن و بیشرفت دادن ممالک عقب افتاده بر آنها مسلط میشود و سپس سفارت ثروت ملی و استثمار کارگران می بردارد. حالاً روسیه هم به حساب برقرار کردن عدالت و با اصطلاح کمک به ممالک در حال مبارزه با امپریالیسم آمریکا از در دوسنی وارد میشود تا نسبت های استعمارگران به خود را دنبال کند.

معلومات خود را آزمایش کنید

به کارگرانی که بتوانند سوالهای زیر را جواب دهند به منظور تشویق یک سری از انتشارات هیئت موسس هدیه خواهد شد. جوابهای خود را به آدرس پشت مجله بفرستید. در نامه اسم و محل کار خود را ذکر کنید.

- ۱- حداقل دستمزد برای امسال چقدر تعیین شده است؟
- ۲- مجمع عمومی چیست و برای چه تشکیل میشود؟
- ۳- آیا در یک سندیکا ی کارگری کارمندان و نماینده کارفرما مستوا نتخاب شوند؟
- ۴- اتحادیه چگونه تشکیل میشود؟
- ۵- آیا کارگران زن میتوانند در انتخابات سندیکا شرکت کنند؟
- ۶- آیا کارفرما میتواند نماینده کارگران را اخراج کند؟ چطور؟
- ۷- اگر یک زن و شوهر هر دو در یک کارگاه کار کنند آیا حق اولاد فقط به یک نفر از آنها تعلق میگیرد یا هر دو؟ چرا؟
- ۸- آیا کارفرماها هم سندیکا درست میکنند؟
- ۹- یک کارگر بطور قانونی روزی چند ساعت باید کار کند؟

صحیح

در شماره قبیل در گزارش مربوط به سخن با سمان دو اسطوره داده که ضمن عذرخواهی اصلاح میشود: اسطوره ۳۵ بجای " سود عاید فروش در آمد عاید فروش و در صفحه ۳۱ بجای " شرکت شرکت آگری گیت صحیح است.

توضیح

روی جلد شماره قبیل عکسی چاپ شده بود از مراسم نماز جمعه. لازم به توضیح است که عکاس آن آقای محمدحسین هاشمیان بوده و بوستر آن توسط انجمن تعاون هنرمردمی تهیه شده است.

مطالب رسیده

تعدادی گزارش و مقاله از مشهد و شیراز و تبریز ورشت و آبادان رسیده است که به علت تراکم مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد.

اخبار کنفدراسیون

(هیئت موسس)

افتتاح نمایندگی شیراز

بدنبال فعالیت پیگیر همکاران شیرازی محلی برای تاسیس نمایندگی هیئت کنفدراسیون در شیراز تهیه شد و هیئتی از تهران برای افتتاح این شعبه اعزام گردید.....

این هیئت پس از تماس با کارخانجات مختلف از مسئولین سندیکاها و شورا و نمایندگان کارگران برای شرکت در جلسه افتتاحیه دعوت بعمل آوردند. این جلسه در سه شنبه ۲۴ شهریور ساعت ۵ بعد از ظهر در محل شعبه کنفدراسیون شیراز برگزار شد که در آن نمایندگان و کارگرانی از کارخانجات : سم شیشه شیراز، سندیکای کارگران ساختمانی، کارخانه آرمایش، شیرپا ستوریزه، صنایع شیمیایی سرسولس، کاشی حافظ، بالابندگاه شیراز، گروه سولیدی ملامس و کارخانه زمینس شرکت نمودند و پس از حرم مقدم و بحثی پیرامون نقش کارگران ایران در دوران انقلاب و وظیفه‌ای که برای دفاع از استقلال مین، مبارزه علیه امپریالیزم و ضد انقلاب و کوشش برای بالابردن تولید و رشد اقتصادی دارند توضیحات جامعی درباره هدفها، برنامه، نقش و چگونگی ایجاد کنفدراسیون داده شد و آنگاه مذاکراتی پیرامون چگونگی کار و برنامه آینده شعبه کنفدراسیون در شیراز به عمل آمد که قرار شد تا یکماه آینده با برگزاری یک مجمع عمومی که نمایندگان کلیه کارخانجات شیراز در آن شرکت داشته باشند، هیئت مسئولین شعبه شیراز انتخاب شده و طبق اساسنامه کنفدراسیون در سطح استان فارس فعالیت کنند.

در پایان جلسه سوالات و پیشنهادات و مسائلی و مشکلات کارخانجات مختلف مطرح شد که به آنها پاسخ داده شده و در مورد مشکلات کارگران کاشی سازی حافظ و فشارهایی که به اعضای سندیکا و هیئت مدیره آن وارد میشود عدم پرداخت بازنشستگی و مزایای کارگران قرار شد که یکی از مسئولین کنفدراسیون در شیراز به نمایندگی از مراجع کارخانه و مذاکره با

کارگران و مدیرعامل با مراجعه به اداره کار و سایر مراجع مربوطه به حل این مشکلات کمک نمایند. این جلسه در ساعت ۸ بعد از ظهر در محیطی صمیمانه و با صفا به پایان رسید.

فعالیت اعضای در رشت

شورای کارخانجات صنایع چوب و شیرپا ستوریزه رشت از اعضای فعال و خستگی ناپذیر هیئت موسس کنفدراسیون هستند و با رستگین گرداندن چرخ کارخانه برعهده آنهاست با کوشش فراوان تاکنون توانسته اند مواد اولیه و پول لازم را برای ادامه کار کارخانه‌های خود تهیه کنند.

ضمن تبریک به کارگران این کارخانه‌ها موفقیت هرچه بیشتر آنها را آرزو داریم.

جلسه عمومی در سه استان

همکاران هیئت موسس در سه استان گیلان - مازندران و خراسان (مشهد) موفق شده اند جلسات عمومی نمایندگان سندیکاها و شوراهای کارگری کارخانجات مختلف برگزار کنند. در این جلسات ضمن بحث در مورد ضرورت اتحاد کارگران اهداف - خط مشی و برنامه هیئت موسس کنفدراسیون تشریح شده و نمایندگان کارخانه‌ها با شور و شوق از این تشکیلات سراسری استقبال و پشتیبانی نموده‌اند. ضمناً در این سه استان بزودی شعبه هیئت موسس کنفدراسیون افتتاح میشود.

فعالیت‌های فرهنگی و رفاهی

با کوشش زحمتکشان کوره‌برخانه‌ها و با کمک و پشتیبانی هیئت موسس کنفدراسیون مدرسه‌ای در محل کوره‌برخانه‌های محمودآباد شروع به کار کرده آموزش کارگران و وسایل آموزشی آن محاناً از طرف هیئت

تلگراف کارگران سیمان نکا

ما گذشته وقتی یکی از نمایندگان کارگران کارخانه سیمان نکا به اداره کار ریه شهر رفت تا سه در آنجا بود که در آن نوشته شده بود ۳۵ نفر از کارگران سیمان نکا با ایداع خرج شوند. به منظور اعتراض به این تصمیم نمایندگان کارگران سیمان نکا تلگرافی جهت وزیر کار، وزیر صنایع و معادن و هیئت موسس کنفدراسیون ارسال نمودند.

توضیح اینکه نامه فوق الذکر توسط حسابداری سیمان نکا امضا شده و گفته میشود که سرپرست کارخانه از این موضوع خبر نداشته است. بهر حال کارگران سیمان نکا که از سازمانها و انجمنها و عوامل وابسته به بیگانه خسته هستند در مقابل این توطئه ایستاده و اعتراضی میکنند.

متن تلگراف به شرح زیر است:

سعدا سروری انقلاب اسلامی مبارزه سختی پس ما کارگران سیمان کرکان ما در دوران و عوامل وابسته سکا سکان محمدرضا و سردوران در گرفت که سعاد را ما در انجام حناست ما با استند و حردستان داد که ما کارگران به حردعمو کردن انقلاب اسلامی رهبری امام خمینی و کوتاه نمودن دست عوامل غریب و عرب اروپا عزیزمان هدف دیگری نداشته ایم.

باقراری شدن مدیران و نه زندان افتادن یکی از آنها با هم توطئه دیگری بر ضد کارگران برپا شده که در طبق نامه شماره ۳۶۷۵ رک ۵۸۶۲۷ قرار است ۳۵ تن از ۵۳۰ نفر را اخراج کنند بنظر ما این عمل در جهت انقلاب اسلامی نبوده و از آنجا شبکه سکاری مشکل بزرگی برای وطنمان میباشد حای تولید کار که ما آن در محل وجود دارد برانویه سکاران افزودن نتیجه ای جز افزایش نا رضایتی و بدبینی و خدمت به ضد انقلاب و فرصت طلبان نمی باشد. ما خواهان رسیدگی سریع به این مشکل میباشیم.

اسماعیل کرامتی، علی یغکش، محمدحسین میرزاشی، رضا وزداری رئیسی

(۱) تقی نائینی (۲) ابراهیم فلاحی (۳) یوسف شادمان
* بعثت کمبودها، مشروح این گزارش را در شماره آینده چاپ میکنیم.

موسس تا مین شده است. امید است که این فعالیتهای فرهنگی در سایر مراحل کارگری که از این نظر کمبود دارند گسترش داده شود.

ضمناً نقشه و طرح ایجاد یک حمام عمومی با چهل دوش برای همین منطقه که از این لحاظ به شدت در مضیقه است در دست اقدام میباشد که به محض آماده شدن زمین، ساختمان آن با الهام از جهاد سازندگی بزودی آغاز خواهد شد.

تقاضای عضویت از تبریز

سندیکای راستندگان و کمک راستندگان تبریز با ۱۲۰۰ عضو از اعلام همبستگی رسماً تقاضای عضویت در هیئت موسس کنفدراسیون را نمودند. ضمن استقبال از این همکاریان جدیداً اطلاع داده میشود که مطابق اساسنامه، این تقاضا همراه با سایر تقاضاهای دیگر در دستور کار اولین شورای عالی هیئت قرار گرفته است.

● خبری از چاپخانه های رشت

در تاریخ ۱۷ شهریور ماه گذشته جلسه مشترکی با حضور نمایندگان چاپخانه های رشت و مسئول هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در رشت در محل خانه کار این شهر برگزار شد. در این جلسه تصمیم گرفته شد برای ایجاد سندیکای کارگران چاپخانه های رشت سه نفر بعنوان نماینده برای تدارک جلسه مشترک کارگران انتخاب شوند که این جلسه به آنها وظیفه داد:

۱- تا تاریخ ۲۵/۶/۵۸ نمایندگان کلیه چاپخانه های رشت (کابلان) دعوت بعمل آورد تا در مجمع عمومی شرکت کنند.

۲- با اداره کار و امور اجتماعی تماس حاصل کرده تا در مجمع عمومی شرکت کنند.

۳- تهیه سالن و سایر امکانات برای برگزاری مجمع

۴- تهیه اساسنامه پیشنهادی

جلسه فوق با حضور ۱۷ نفر از کارگران چاپخانه های رشت برگزار شد و آقایان زیر بعنوان نمایندگان هیئت موسس تا تعیین هیئت مدیره در مجمع عمومی انتخاب شدند:

احقاق حقوق کارگران بندرعباس

نمایندگان ۸۰۰ نفر کارگران خارجی شرکت بران اندرویت بندرعباس بدینال چندماه پشتکار و فعالیت برای کسب مزایای پرداخت نشده که عبارت از حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار بود سرانجام با همکاری دبیران تشاطات موفق بگرفتن این حقوق شدند.

حقوق را نندگان با فکار

در جلسه‌ای که بمنظور رسیدگی به خواسته‌های را نندگان شرکت با فکار در اداره کار برگزار شد مقرر گردید پس از ارائه گزارش بازرسان کار از کارگاه، کارفرما تمام مفاد قانون کار را که حق مسلم این کارگران میباشد در مورد آنها اجرا درآورد. خواسته‌های کارگران به این شرح بود:

اجرای هشت ساعت کار در روز - اجرای حداقل دستمزد مصوبه وزارت کار - پرداخت حق مسکن، حق خواربار و حق اولاد از مهرماه پنجاه و هفت.

تجدید انتصابات و تدارک اتحادیه در اصفهان

در آخرین روزهای ماه گذشته خبر رسید که سندیکای را نندگان و کارگران فنی شهرداری اصفهان مجمع عمومی برگزار کرده و با تعیین هیئت مدیره جدید همکاران ما در این شهر تشکیل یک اتحادیه از سندیکاهای شهرداری اصفهان را تدارک میسینند. ضمناً از شهرداری اصفهان نامه‌ای رسیده که در همین شماره چاپ شده است.

یک خبر از تبریز

در آخرین ساعات چاپ مجله گزارش مشروحی از سندیکای را نندگان و کمک را نندگان تبریز بدستمان رسید، که بعینت نبودن جا شرح مفصل آنرا در شماره آینده خواهیم آورد.

در این گزارش آمده است که سندیکا موفق شده ۹۰ دستگاه کامیون را در اختیار بگیرد و در یک جلسه عمومی بین اعضاء سندیکا تقسیم کند. ضمناً اعضاء سندیکا خواهان برخورداری از مزایای بیمه شدند.

کسب مزایای مقامات مسئول عنوان شده، چون شاغل نیستند نمیتوانند بیمه شوید و سندیکا توضیح داده است خود را "حق بیمه اعضاء را خواهد پرداخت، تا بتوانند از مزایای حق بیمه استفاده کنند.

بقیه وقتی که

کارگری از همین مجتمع عقیده داشت که دلیل این وضعیت عدم برنامهریزی و مدیریت درست در این مجتمع است. الان هزاران کارگر بدون اینکه بدانند چکار باید بکنند بلا تکلیف میایند و میروند، از طرف دیگر گویا عده‌ای از مسئولین میگویند بایستی محددات تعدادی متخصص خارجی و کارگر خارجی استخدام کنیم چون ما خودمان کار در متخصص وقتی نداریم. خوب این هم یک مقدار در روحیه کارگران تاثیر میگذارد در حالیکه اگر بجای آن همه حقوقهای کلان و مزایای بیشمار که برای خارجی‌ها صرف میشد اگر نصف آنرا در جهت رفاه کارگران و متخصصین ایرانی صرف کنند چه بسا دیگر اینگونه محتاج خارجی‌ها نباشیم و در واقع با دادن مسئولیت بیشتر به همین کارگران در آنها این احساس را زنده کنیم که بایست در قبضه مملکت مسئول بود و با شور بیشتری کار کرد.

بهر حال بهره‌برداری از این طرح و راه انداختن آن هزاران کارگر و متخصص میشوند و نندبه کار مسئول شوند و گلی از مشکلات بیکاری مملکت کاسته شود. از این گذشته در دل این کویر فرا موش شده در گذشته، آبادانی، رشد اقتصادی و خلاصه حرکت و فعالیت بوجود آورد. در اینصورت اگر با زهم این پروژه عظیم به امان خدایا شود، گذشته از صدمات و خسارتهای مالی از این نظر که روحیه انقلابی و شور و شوق سازندگی و کاربرد راه آبادانی مملکت در کارگران و اهالی منطقه پائین آمده و بجای ایجاد احساس مسئولیت در آنها دل سردی را موجب میشود که این شاید ضررش خیلی بیشتر از خسارتهای مالی برای ما باشد.

کوه را از هم شکافد زوری بایان ما
در هر همتاندا در خلق عالی شأن ما
در ظفر کردن به دشمن پرزایمان می روم
پن به میدان از برای حفظ جانان می روم

جوش چدن با کاربرد



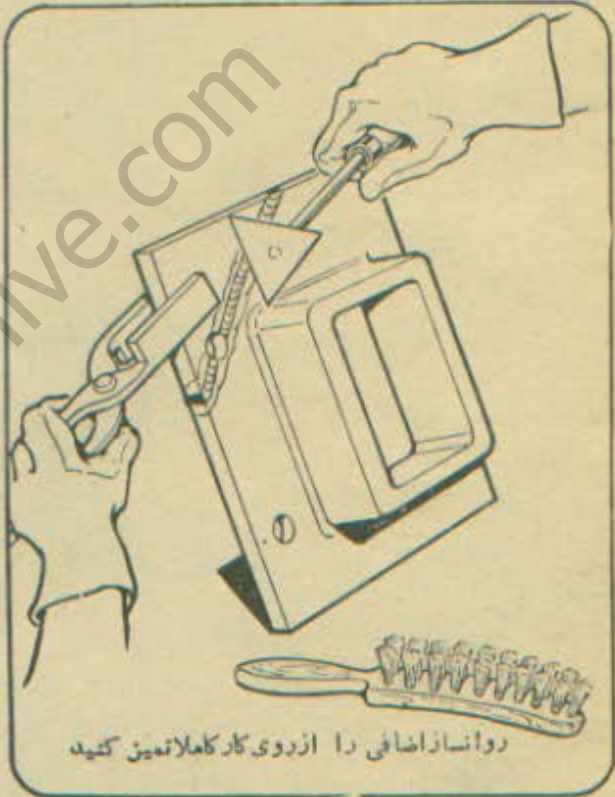
چدن را میتوان از چپ به راست یا از راست به چپ جوش داد. زاویه مشعل و سیم جوش برای جوشکاری قطعات فولادی متفاوت است. و اندازه درز چدن نیز با اندازه درز قطعات فولادی فرق میکند. حرکت ملایم و عقب کشی مکرر مشعل، ناحیه مذاب را بوسیله بهم زدن با سیم جوشکاری با بدهمیشه در حالت مذاب نگهداشت. این عمل باعث میشود که ذرات جرم

واکسیدهای جامد در میان درز جوش خورده باقی نماند و با اصطلاح چدن الماسه میشود.

گرد جوشکاری چدن تفاله ایجاد شده را در خود حل میکنند و زمین میسرد. ضمن عمل جوشکاری باید مرتب سیم جوش را در این گرد فرو برد و اگر ناحیه مذاب بزرگ باشد تا گرد جوشکاری با بدیا قاشق کوچکی گرد را روی محل جوشکاری بپاشد. گرد جوشکاری چدن خوب با بد قفل از رسیدن فلز به درجه مذاب ذوب شود و اثر خود را ظاهراً سازد.

سیم جوشکاری چدن

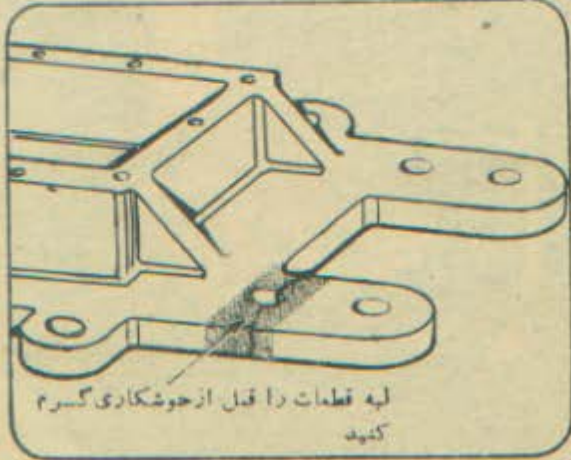
سیم جوشکاری چدن را بوسیله خم کردن آن میشود آزمایش کرد. هرگاه سیمی بقطر ۵ میلی متر و طول نیم متر در حدود ۱۵ میلی متر خم شود خوب است. مقطع چنین سیمی دارای رنگ خاکستری است. سیمهای جوشکاری چدن خوب دارای مقداری نیکل و فلزات دیگر است و روکش مخصوص دارد.



روان ساز اضافی را از روی کار کاملاً تمیز کنید

و کثافت که به صورت نقاط روشن و درخشان در ناحیه ذوب مشخص میگردد به سطح بالای ناحیه مذاب بیاید. ضمناً شعله را باید بیش از مدتی که برای جوشکاری فولاد لازم است روی چدن نگهداشت تا از سرد شدن سریع آن جلوگیری شود.

اگر درز جوش بسیار باریک باشد و نواحی محاور آن گرم نشود و قطعه چدنی خوب بیکدیگر جوش نمیخورد و چنانچه ناحیه مذاب بقدر کافی رقیق نشود یا سیم جوشکاری کمتر از حد لازم در آن حرکت داده شود درز جوش خورده، سوراخ سوراخ میشود و مواد اضافی و جرم نمیتواند به سطح فلز مذاب بیاید و به صورت ذرات تفاله یا گاز



لبه قطعات را قبل از جوشکاری گرم کنید

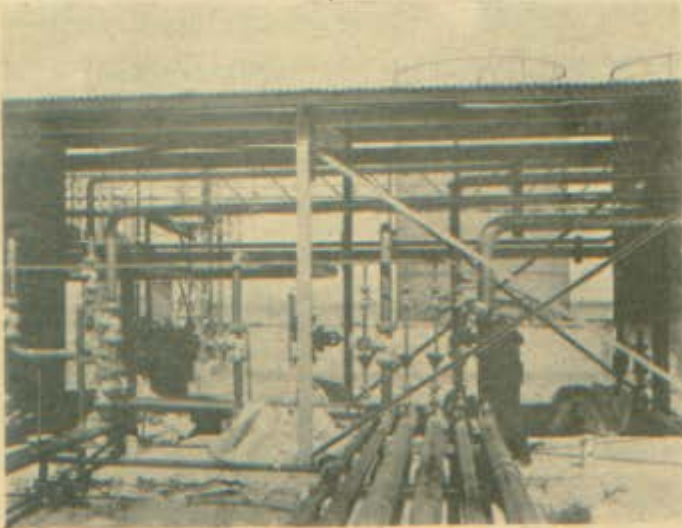


بازسازی کارخانه بدست کارکنان

آن دستگاها را کنار میگذارند و خودشان دستگاها دیگری مانند همان یا آلیاژ بسیار مناسبی میسازند که اصلاح تولید حرارت نمیکند و به آن جوب تحفه عایق و به اصطلاح سوز فرا نسویها هم احتیاجی ندارد.

صرف نظر از اهمیت فوق العاده ای تکنیکی این موفقیتها که نشانه استعداد، توانائی، خلاقیت و صلاحیت کارگران ایرانی در اداره تاسیسات عظیم است جنبه مهمتر این دستاوردها، جنبه سیاسی آنست که در اوضاع کنونی که از یکسوا انقلاب اسلامی ما قدم به قدم مستحکم میشود ولی از سوی دیگر ارتجاع و امپریالیسم با تمام نیرو و به اشکال مختلف از جمله تحریم اقتصادی و ایجاد بحرانهای سعی در تخریب و ضرب زدن به انقلاب دارند، نقش برجسته و بسیار موثری در کوتاه کردن دست امپریالیستها، عدم وابستگی، تکیه بر نیروی خود و رشد و شکوفائی اقتصادی و صنایع ملی دارد.

ما این دستاوردهای بزرگ و انقلابی کارگران تکنیسینها و مهندسان کارخانه ششم شیشه شیراز را سه این قهرمانان واقعی ملی و به عموم کارگران شریف و تمام ملت ایران تشریح میگوئیم و سه امیداینکه تمام کارگران ایران با سرمشق قرار دادن و آموختن از تجربیات ارزنده این زحمتکشان قدمهای بزرگتری در این راه بردارند.



هیشت نما بندگی کنند در اسون که به شیشه ساز مسافرت کرده بودند در باره دیدی که از کارخانه ششم شیشه عمل آوردند، با کمال خوشوقتی شاهد ستاورد های چشمگیر کارگران، تکنیسینها و مهندسان این کارخانه بودند که برآستی باعث افتخار و غرور هر ایرانی است.

تاسیسات این کارخانه عظیم که ملافرا نسوی و از مدل کاملاً جدیدی است که فرانسویها بطور آزمایشی برای اولین بار آنرا در ایران پیاده کردند ولی در جریان انقلاب که فرانسویها اوضاع را بیرونی برداشتند با میداینکه کارخانه را از کار بیاندازند تمام نقشه ها، قطعات بندکی و لوازم ضروری ماشین آلات را با خود برده و فرار کردند، اما کارگران و تکنیسینهای گماشته این کارخانه با تکیه به نیروی لایزال خود، با یکبار بردن خلاقیت و با زوی توانا و همت والای خود، موفق شدند تمام قطعات لازم را با دست خود درست کنند سیستمهای از کار افتاده را با کار اندازند و با خود سیستمهای جدیدی را احداث نمایند و اکنون کارخانه با ظرفیت نسبتاً خوبی مشغول کار است.

آنها ابتدا قطعاتی را که خود میتوانند تهیه کنند توسط تراشکاران، مکانیکها، آهنگران و برقکاران خود کارخانه با سیستمهای ساده و مکارانه کمترین و خواص بهتر، خود تهیه کرده اند و در آن مواردی که به علت نداشتن مواد لازم قادر به تهیه قطعات لازم نبودند، کل سیستم پیچیده و پیرخرج فرانسوی با تمام دم دستگاهاش را یکبارگی گذاشته و خود با قدرت فکری و ابتکار خود، دستگاها بسیار ساده تر با سیستم دیگری تهیه کرده که تماماً ختمان آنرا با دست خود ساختند که در مواردی حتی از دستگاها های فرانسوی هم بهتر کار میکنند، برای نمونه در یک دستگاها قطعات کوچک جوسی با خاصیت عایقی بکار میرفت که این جوب عایق انحصاراً از فرانسه وارد میشد، ولی بر خلاف خاصیتش پس از مدتی کار، این عایقها سوخته بود و فرانسویها از فرستادن آنها خودداری میکردند، تکنیسین قسمت مربوطه با کمک همکاران خود ابتدا

جلسه مشترک شوراهای رشت

در تاریخ ۵۸/۷/۲۵ بدعوت نماینده کنفدراسیون در رشت جلسه مشترکی با حضور نمایندگان شوراهای کارخانجات چوکا، توشیبا، خاور، صنایع جنوب رشت، فرش گیلان، ایران الکتریک، بورسبان و نمایندگان کارگران خیاط و تراشکار و تعدادی کارگران آزاد تشکیل شد. در این جلسه هر یک از نمایندگان با مشکلاتی که در کارخانجات در رابطه با کارفرمایان با آن مواجه هستند، صحبت کردند.

خوشقدم از چوکا ضمن صحبت‌های خود اظهار داشت، موضوع کنفدراسیون روشن نیست که چیست؟ اکثریت کارگران از آن اطلاع ندارند، باید به کارگران آگاهی داد که کنفدراسیون چیست و از چه راهی باید وارد شدند تا توجه تمام کارگران را به آن جلب کرد. بنا بر این باید کوشش کنیم برای کارگران و توده‌ها کارگرتوضیح بدهیم که همبستگی در یک کنفدراسیون سراسری جفدر به نفع ما خواهد بود و از چه دستاوردی برخوردار خواهد بود. ما با علاقه با آن همکاری خواهیم کرد و از آن حمایت خواهیم نمود.

سپس آقای محمودی نژاد از صنایع جنوب رشت ضمن قرائت نامه گلایه آمیزی که برای کنفدراسیون نوشته بود اعلام داشت: ما همگی میدانیم که یک دست صدا ندارد. برای اینکه به خواسته‌های خود برسیم کنفدراسیون را باید بشناسانیم. من در کارخانه بکنفر بیشتر نیستم من هنوز نتوانستم به دوستان حالی کنم که کنفدراسیون چیست؟ انسان باید مسئولیت قبول کند. من از دوستان کارگرم دعوت کردم که بیایند و اطلاعات به دست آورند، ما میخواهیم که دوستان بیایند و برای ما صحبت بکنند و قرا بدهند که با ززی به تمام کارخانجات سرکشی کنند و گزارشات را به تهران بفرستند ضمناً اکثریت اعضاء شورای ما احساس مسئولیت نمیکنند.

سپس آقای مقدادی کارگری از توشیبا گفت: کنفدراسیون مسئله حساسی است، در بین شوراها اگر برویم و با آنها صحبت کنیم میپرسند که ایدئولوژی آن چیست؟ ما باید خودمان پیشوا شویم و یک چنین سازمانی بسازیم که از تمام کارگران دفاع نماید. ما باید این کنفدراسیون را دعوت

کنیم که برای تمام کارگران صحبت کند، فکر میکنم که این احتیاج به زمان دارد، هرکسی هر مکتبی که دارد باید خودش را فدای کارگر کند ما باید مسئله مکتب را کنار بگذاریم و بخاطر منافع مشترک کوشش بکنیم. سپس خانم میرزا شاد از توشیبا اظهار داشت، باید از مسائل خاص کارگران اطلاع داشته باشیم چون خیلی موثر است. در صورتیکه ما مشکلات کارگران را ندانیم نمیتوانیم با حل نکردن آنها کارگران را مشکل کنیم برای مشکل کردن کارگران باید ابتدا با حل مشکلاتشان به کمک کنفدراسیون، هم کنفدراسیون را بشناسانیم و هم اینکه آتراقویتر کنیم.

آقای دژآلود از کارخانه ایران الکتریک ضمن طرح مسائل کارخانه خود اعلام داشت: کارفرمایان علاقه‌ای به وجود شوراها ندارند و با آن شدیداً مخالف هستند چون با منافع آنها جور در نمیآید. ما میدانیم جکارا باید کنیم ضمناً بهتر است صیبر کنیم تا انتخابات جدید صورت گیرد سپس سراغ شوراها و جدید برویم و آنها را در کنفدراسیون مشکل کنیم.

در پایان مسئول کنفدراسیون در منطقه ضمن بیان سخنجوئی به سئوالات دوستان کارگرو اهداف کنفدراسیون ضرورت بازگردن دفتری را به تمام کنفدراسیون توضیح داد که با استقبال فراوان روبرو شد و کلیه حاضرین خود را متعهد کردند در سال‌های آینده مناسبت بگردن دفتری تعدادی راجع به چگونگی تأمین اجاره خانه صحبت کردند. در این جلسه تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

- ۱- بازگردن هر چه سریعتر دفتری برای کنفدراسیون در رشت
- ۲- جلسات هفتگی با حضور نمایندگان شوراهای کارخانجات و آزادی شرکت دوستان کارگرو در آن
- ۳- تعیین مسئولینی برای تماس با کارخانجات و تقسیم کارخانجات بین این مسئولین
- ۴- دعوت از شوراهای دیگر کارخانجات برای شرکت در جلسات هفتگی



اطلاعیه

در مجله کارگران ایران - شماره ۳، گزارشی چاپ شده بود از کارخانه چیت سازی تهران (با فکار) که طی مصاحبه با کارگران و بعضی اعضای شورای اسلامی این کارخانه تهیه شده بود. ۲۶ روز پس از انتشار مجله در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۷ شهریور گذشته نوشته‌های آقای علی محمد عرب درج شد که در آن چهار نکته از گزارش مجله مورد تکذیب قرار گرفته و بهمین مناسبت حکمی هم مبنی بر عدم قرائت مجله صادر شده بود.

در تحقیقاتی که بعداً "بعمل آمد روشن شد که گزارش مجله جز در یک مورد عین واقعیت بوده و بیهج وجهی تکذیب ندارد و در تنها موردی هم که به نظر میرسد گزارش کمبود داشته تا این تاریخ که مجله آمده چاپ میشود هنوز تکذیب نامه‌ای از جانب شورای اسلامی کارخانه که تنها مرجع با صلاحیت در این مورد است جهت درج در مجله دریافت نشده است.

قبل از هر اقدامی مسئولان مجله کارگران ایران با حرکت از موضع تفاهم کارگری و با این تصور که احتمالاً این اقدام سهوی بوده، در دوندگی با آقای

عرب تماس گرفت و ضمن توضیح مسئله، صمیمانه از ایشان تقاضا نمود که نوشته خود را در روزنامه جمهوری اسلامی اصلاح کند. اشتباهات آقای عرب که قبلاً به خود ایشان هم یادآوری شده به شرح زیر است:

۱- عدم تحقیق و بررسی از وضع کارخانه‌ای که خود ایشان در آن کار میکنند،

۲- عدم ارائه مدرک در موارد تکذیب،

۳- عدم رعایت قانون مطبوعات، یعنی فرستادن تکذیب نامه برای روزنامه جمهوری اسلامی به جای مجله کارگران ایران.

۴- زدن اتهامات ناروا (باز هم بدون مدرک) به مجله‌ای که حداقل مورد تأیید هزاران کارگر عضو هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران است.

با این وجود آقای عرب تنها نوشته خود را اصلاح نکرد بلکه با صدور اعلامیه‌ای در سطح کارخانه با فکار مجله کارگران ایران را مجدداً مورد حمله و اهانته قرار داد.

ما ضمن اظهار تأسف، اعتراض کارکنان مجله و کارگران عضو هیئت موسس را نسبت به این برخورد غیر منصفانه اعلام کرده صمیمانه یادآور میشویم که اینگونه اقدامات نسنجیده جزایجا در وجه بدبینی و نفاق بین کارگران ایران شمر دیگری ندارد.

هیئت تحریریه

چرا ۲۵ ریال؟

تاکنون مجله "کارگران ایران" با قیمت دو تومان به دست شما میرسد، که این دو تومان هزینه چاپ و قیمت کاغذ را به زحمت جواب میداد. اکنون بعلت بالا رفتن دستمزدها، هزینه چاپ و قیمت کاغذ، با قیمت قبلی قادر به تامین مخارج مجله نیستیم و از آنجا که تنها منبع درآمد مجله همین دو تومان بود و از آنجا که میخواهیم از لحاظ مالی ما نند گذشته فقط و فقط متکی به خودمان باشیم، تصمیم گرفتیم قیمت مجله را حدوداً افزایش هزینه‌ها یعنی به میزان ۵ ریال اضافه کنیم. به همین علت از این شماره مجله با قیمت ۲۵ ریال به دست شما میرسد.





۲۵ ریال

نشانی: خیابان طالقانی (تخت جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک ۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹